

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

نگارش

پایه هفتم

دوره اول متوسطه



وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب: نگارش - پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۷۰۴

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تأییف: دفتر تالیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تأییف: مهدی آذرخزین، علی پورامن، علیرضا چنگیزی، حاتم زندی،
حسن ذوالقدری، مرجان سجودی، زهرا سلطانی مطلق، بهداد صدیق‌پور، شهناز عبادتی، بهمن قره‌داغی، حجت
کجانی‌حساری، جواد هداوند و ابراهیم هداوند میرزاپی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
فریدون اکبری‌شلدره، محمد دهریزی، معصومه نجفی‌پاکی (اعضای گروه تأییف) - ملاحظ نجفی عرب و سعید
فرمانی (ویراستار)



مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ)، مجید ذاکری‌یونسی (مدیر هنری)،
جواد صفری (طراح گرافیک، صفحه‌آرا و طراح جلد)، منوچهر درفشه، علیرضا ترکبی (تصویرگر)، ابوالفضل
بهرامی (عکاس)، کامران انصاری (طراح خط رایانه‌ای)، رعنا فرج زاده درویشی، پری ایلخانی‌زاده، فاطمه پژشکی،
ناهدی خیام‌باشی، حمید ثابت کلاچاهی (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۱۱۶۱-۹، ۸۸۳۳۱۶۲۶، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب‌گاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران

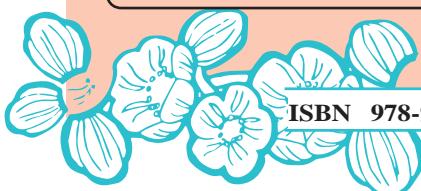
تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

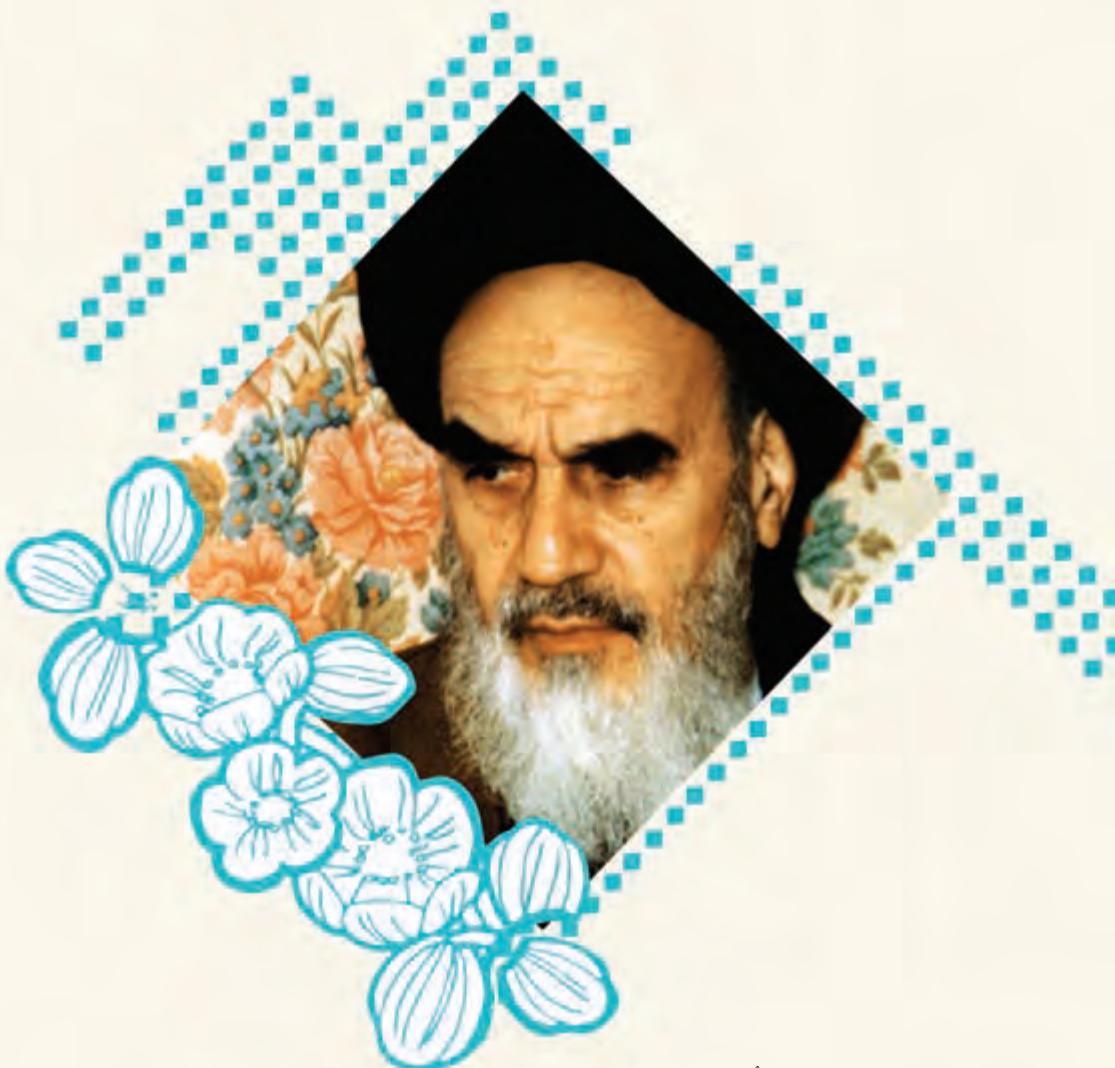
چاپ خانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ دهم، ۱۴۰۲

همه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است و هر گونه استفاده
از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری،
نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۳۰۷-۹ ISBN 978-964-05-3307-9



«اُنس و الفت انسان با هنر و آثار هنری، شامل ادبیات، نقاشی و ...، برخاسته از حس زیبایی شناسی اوست. هنر آدمی را به شناخت سرچشمه زیبایی‌ها فرامی‌خواند و روح سرکش او را به آرامش می‌رساند.»

امام خمینی (قُدَسْ سِرُّهُ)

فهرست

۱۶ مقدمه

۱۲ ستایش

۱۳ درس اول: نقشه نوشتن

۱۹ فعالیت‌های نگارشی

۲۲ درست‌نویسی

۲۳ تصویرنویسی

۲۵ درس دوم: بخش‌های نوشته

۳۱ فعالیت‌های نگارشی

۳۴ درست‌نویسی

۳۵ حکایت‌نگاری

۳۷ درس سوم: طبقه‌بندی موضوع

۴۱ فعالیت‌های نگارشی

۴۴ درست‌نویسی

۴۵ مَثَل‌نویسی

۴۷ درس چهارم: کوچک‌تر کردن موضوع

۵۱ فعالیت‌های نگارشی

۵۴ درست‌نویسی

۵۵ تصویرنویسی

فهرست

درس پنجم: بندهای بخش میانی (بدنه) ۵۷

۶۲ فعالیت‌های نگارشی

۶۵ درست‌نویسی

۶۶ حکایت‌نگاری

درس ششم: جمله موضوع ۶۷

۷۱ فعالیت‌های نگارشی

۷۵ درست‌نویسی

۷۶ متن‌نویسی

درس هفتم: راهی برای نظم‌دادن به ذهن و نوشه ۷۷

۸۲ فعالیت‌های نگارشی

۸۵ درست‌نویسی

۸۶ تصویر‌نویسی

درس هشتم: روشی برای نوشن درباره موضوع‌های ذهنی ۸۷

۹۱ فعالیت‌های نگارشی

۹۴ درست‌نویسی

۹۵ حکایت‌نگاری

۹۶ نیایش

۹۷ پیوست: شیوه‌نامه ارزش‌یابی

۱۰۳ کتاب‌نامه

مقدمه

سخنی با دبیران ارجمند

نوشتن در دنیای امروز، یکی از مهارت‌های بهتر زیستن و از توانایی‌های زبانی است که در کنار سه مهارت دیگر (گوش‌دادن، سخن‌گفتن و خواندن) می‌آید. گوش‌دادن و حرف‌زن را از کودکی به طور تدریجی و طبیعی فرامی‌گیریم؛ خواندن را پس از حضور در مدرسه و آموزش و تمرین و تکرار، می‌آموزیم اما نوشتن بعد از آشنایی با الفبا آغاز می‌شود. به همین سبب، مهارت نوشتن را نتیجه و محصول خواندن می‌دانیم.

از دید صاحب‌نظران، توانایی بیان مقصود در قالب نوشته نیاز اولیه زندگی اجتماعی و مؤثرترین راه ارتباطی در جهان امروز و فضای رسانه‌های نوپدید است. این برنامه در پی پرورش چنین رویکردی در فضای آموزش عمومی است و پس از سال‌ها، اکنون با مطالعه تاریخ آموزشی گذشته و تجربه‌های جهانی در قلمرو آموزش نوشتن، محتوایی کاملاً ساختمند و علمی را پیش رو نهاده است.

هر کتاب، در حقیقت، تجربه‌ای از نوشتن را با خود به همراه دارد. خواندن دقیق کتاب‌های مناسب می‌تواند سرمشق درست‌اندیشی و آسان‌نویسی باشد. کتاب‌خوانی یکی از شگردها و شیوه‌های مناسب برای رشد اندیشه و افزودن بر توانایی‌های ذهن و زبان در نوشتن است. اگر کشاورز با کاشت و داشت به کشت خود یاری می‌رساند، نویسنده هم با خواندن، اندیشیدن و نوشتن به آفرینش نوباوه فکری خود دست می‌یابد؛ یعنی نوشتن فرزند خواندن است. هر چه بیشتر بخوانیم، توانایی‌های ذهن ما بیشتر نیرو می‌گیرد و کار نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود. خواندن یکی از مهارت‌های اساسی تقویت و توسعه ذهن است. ذهن آدم بی‌مطالعه به سرزمین بی‌حاصلی می‌ماند که در آن گیاهی سیز نمی‌شود.

سخن دیگر این‌که، خواست ما از خواندن تنها روخوانی متن نوشته‌ها نیست. از دید ما، هر چیزی که ذهن را به درنگ وادارد و فکر را به کار اندازد متن است و قابل خواندن و اندیشیدن است. به راستی، هر یک از رویدادها متی است که ذهن ما را به خوانش و تفسیر فرامی‌خواند. هر تصویر و نگاره نقاشی و نگارگری یک متن است. هنگامی که موضوع نگارش ما یک تصویر، نقاشی یا یک صحنه از رویدادهای اجتماعی باشد، مانند یک نوشته یا داستان، نخست بر همه اجزا و نقش‌ها و رنگ‌ها و پیکره آن خیره می‌شویم؛ سپس درباره نقش عناصر آن، گفت‌وگو و تأمل می‌کنیم و آن‌چه به ذهنمان می‌آید می‌نویسیم.

در آموزش محتوای این کتاب، تأکید بر بهره‌گیری از روش‌های فعال و تقویت روحیهٔ مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان است. گفت‌وگو، بحث و بازندهی، مطالعه و کتاب‌خوانی، رایزنی و مشورت، بازسازی و بازپروری فکر، شیوه‌هایی مناسب برای رسیدن به ذهن چالاک و زیایا، و نقد و تحلیل مؤثر در هنگام نوشتمن است. به کارگیری روش‌هایی چون زایش و برخورد اندیشه‌ها (روشن‌سازی طرز تلقی)، بارش فکری، نوآفرینی (بدیعه‌پردازی) و حل مسئله، در این درس، اثربخش و کارا خواهد بود.

محتوای این کتاب در هشت درس سازمان‌دهی شده است. با توجه به زمان اختصاص یافته، میزان تقریبی ساعت آموزشی مؤثر حدود ۲۴ جلسه در سال است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود فرایند یاددهی - یادگیری هر درس این کتاب در سه جلسه (آموزش، تمرین و نگارش، بررسی و نقد برای تثبیت یادگیری) طراحی و تنظیم شود. آن‌چه درباره ارزشیابی از آموزه‌های این کتاب باید یادآور شویم این است که رویکرد برنامه و محتوای آن، «رویکرد مهارتی» است؛ یعنی توانایی نوشتمن مهارتی است که در پی آموزش، تمرین، تکرار و نوشتار کسب می‌شود. از این‌رو، این درس کاملاً ورزیدنی و عملی است. دانستنی‌های حفظی این کتاب بسیار اندک و ناچیز است. دانش‌آموزان باید در کلاس، فرصت نوشتمن و بازنویسی و نقد نوشته‌های یکدیگر را پیدا کنند. جز این راهی نیست. یکی از دلایل اصلی کمبودن حجم و تعداد درس‌ها همین است. کمتر حرف بزنیم و بیشتر به نوشتمن فرصت بدھیم. در هر درس،

ستجهه‌ها و معیارهایی را بر شمرده‌ایم که لازم است در نوشه‌های دانش‌آموزان و ارزیابی از آن‌ها مورد توجه قرار گیرد.

هدف اصلی این کتاب ایجاد نظام ذهنی در یادگیرندگان است. اگر ذهن سامانی نظام‌مند پیدا کند، گفتار و نوشتار هم منظم خواهد شد. شناخت ساختمان و چارچوب نوشته از گام‌های بنیانی در شکل دادن به ذهن هنگام نوشن است. از این‌رو، در این کتاب، همهٔ تلاش ما این بوده است که طبقه‌بندی و نظم ذهن را به خواننده یادآور شویم.

هر کس که قصد نوشن دارد، پیش از نوشن دربارهٔ موضوع، باید نقشے آن را در ذهن طراحی کند و بهتر است مراحل و گام‌های آن را پیش‌بینی کند و حتی روی کاغذ بنویسد. بنابراین، دییران گرامی در آموزش، بر این مسئله تأکید کنند و از دانش‌آموزان نیز نقشے ذهنی و مراحل تدوین نوشته را بخواهند.

برای نوشن، نخست از نقشے ذهنی سخن گفته‌ایم و سپس برای ساده‌سازی آموزش و یادگیری نوشن، چارچوب‌ها و روش‌هایی تدوین کرده‌ایم. در پی هر درس این کتاب، تمرين‌های نوشتاری در سه بخش با عنوان «فعالیت‌های نگارشی»، «درست‌نویسی» و «تصویرنویسی» یا «حکایت‌نگاری» و «مثُل‌نویسی»، سازمان دهی شده است.

«فعالیت‌های نگارشی» با نظمی علمی و منطقی آموزشی به دنبال هم آمدۀ‌اند؛ شمارهٔ یک با هدف تقویت توانایی تشخیص، شمارهٔ دو با هدف پرورش توانایی نوشن و تولید دانش‌آموزان، و شمارهٔ سه با هدف تقویت توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی طراحی شده است.

بخش «درست نویسی»، با هدف آموزش هنجارهای نوشن و آشنایی با کاربرد درست واژگان در نوشتار معیار، در ساختار کتاب گنجانده شده است. پس از یادگیری این نکات، طبیعی است که به هنگام نوشن، این هنجارها را رعایت کنیم. «تصویرنویسی» یعنی نوشن دربارهٔ اجزا و عناصر دیداری در تصویر. لازمهٔ خوب نوشن در این بخش دقت در نگاره و بررسی و خوانش و درک عناصر بصری است. در حقیقت، هر تصویر انگیزه‌ای بسیار نیکو برای نوشن است. از هر تصویر، موضوع‌های فراوانی را می‌توان برگزید و درباره‌اش نوشت. مهم نیست که کدام

بخش از تصویر را موضوع نوشتن قرار می‌دهید، آن‌چه در این کار ارزش دارد چگونگی بیان و درک و تفسیر ما از تصویر و قدرت پرورش موضوع است. اگر خوب‌دیدن را به خوب‌اندیشیدن بیوند بزنیم و فرصتی برای تفکر ایجاد کنیم، عمل نوشتن برای ما آسان‌تر می‌شود.

«**حکایت‌نگاری**» بخشی دیگر از فعالیت‌های نوشتاری است که بر بازنویسی و گسترش متن به زبان ساده تأکید دارد.

«**مَثَلٌ نَوِيْسِيٌّ**» گونه‌ای دیگر از کارهای نوشتني است که «**مَثَلٌ**» را انگیزه‌ای برای خلق، تولید و آفرینش متنی جدید قرار می‌دهد. مثل نویسی، در حقیقت، شیوه‌ای از بازآفرینی است. حکایت و ضربالمثل در بارورسازی ذهن و زبان و پرورش حافظه و تقویت خوب سخن‌گفتن و زیبا نوشتن، بسیار مؤثر است. مایه‌های طنز نهفته در برخی از حکایت‌ها و ضربالمثل‌ها طراوتی ویژه به فضای ذهن اهل زبان می‌بخشد و نشاطی تازه بدان می‌افزاید که در خلاقیت و نوآفرینی، بسیار نقشمند و اثرگذار است. ضربالمثل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسنده‌گی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند.

در بخش تدوین و سازمان‌دهی محتوا، سعی شده است نمونه‌های مناسبی از نویسنده‌گان ایرانی و ادبیات جهان گزینش شود تا به کمک این متن‌ها، هم اصول و ساختار نوشتن را آموزش دهیم و هم الگویی از نوشتن پیش روی خواننده‌گان بگذاریم. در این میان، متن‌هایی که بی‌نشان هستند، از قلم مؤلفان این کتاب تراویده‌اند.

همچنین به منظور تسهیل، تحریکیم و غنی‌سازی آموزش و یادگیری در ابتدای هر درس رمزینه‌هایی قرار دارد که دانش‌آموزان با اسکن کردن آن‌ها از محتوای آموزشی آن بهره‌مند می‌شوند.

◆ **توجه:** صفحه‌های خالی که برای نوشتن طراحی شده، جنبه نمادسازی دارد. بهتر است دانش‌آموزان برای نوشتن فعالیت‌های نگارشی، از ابتدای سال تحصیلی، دفتر ویژه نگارش داشته باشند تا شما همکاران گرامی بتوانید فرایند آموزش و یادگیری را، بر پایه آثار آن‌ها، ارزشیابی کنید و دانش‌آموزان هم از این دفتر به عنوان خاطرات خوش لحظه‌های نوشتن مراقبت کنند.



◀ سخنی با دانش‌آموزان عزیز

نوشتمن یکی از لذت‌های ماندگار است. با نوشتن می‌توانیم حرف دلمان را به زبان آوریم، عواطف و احساسات خود را آشکار کنیم و دانش و تجربیاتمان را برای دیگران و نسل‌های آینده به یادگار بگذاریم.

لذتِ نوشتمن زمانی بیشتر می‌شود که دیگران نوشه‌های ما را بخوانند و بپسندند و از آن به نیکی یاد کنند. خوانندگانِ آگاه و کتاب‌شناس معمولاً سراغ نوشه‌های صمیمی، ساده و دلنشیں می‌روند؛ نوشه‌هایی که شوق خواندن را در خواننده برانگیزاند.

ممکن است این پرسش به ذهن شما بیاید که آیا نویسنده‌گی نبوغ و استعدادی مادرزاد است یا مهارتی قابل آموزش و یادگیری است؟
بی‌گمان، نویسنده‌گان بزرگ هم اصول نوشتمن را مادرزادی نیاموخته‌اند و نویسنده به



دنیا نیامده‌اند؛ آن‌ها هم در آغاز، توانایی خوب‌نوشتن را نداشتند ولی کم کم با خواندن بسیار، فراگیری اصول نوشتمن، تمرین و تکرار به یک چارچوب و نظم فکری رسیده‌اند و مهارت نوشتمن را یادگرفته‌اند. شما هم اگر اصول و چارچوب درست‌نوشتمن را یاد بگیرید و کتاب‌خوانی را یکی از برنامه‌های ثابت زندگی خود قرار دهید، می‌توانید یکی از نویسنده‌گان خوش قلم و آینده‌ساز میهن عزیzman، ایران، باشید. خواستن توانستن است؛ پس با توکل به لطف پروردگار مهربان، از هم‌اکنون، با خواندن این کتاب، کار را آغاز کنید. برای خود دفتر یادداشتی فراهم کنید و هر روز به آن سری بزنید و سعی کنید حتی به اندازه یک جمله هم که شده، از مشاهدات و اتفاقات آن روز بنویسید.

تمرین کنید و به خود عادت بدهید که هر چه می‌خواهید بگویید، نخست، همان را در دفترتان بنویسید و کوشش کنید همان گونه که سخن می‌گویید بنویسید. نگذارید بین شیوه فکر کردن، سخن گفتن و نوشتمن شما فاصله و تفاوتی پیدا شود. شاید برجسته‌ترین فرقی که میان حرف‌زدن و نوشتمن هست و در موقع نوشتمن باید آن را اصلاح کنید، این است که جای کلمات در نوشتمن و کاربرد برخی از واژه‌ها، مثل فعل، با حالت سخن گفتن، یکسان نیست و البته این هم کار آسانی است و اگر خودتان چند جمله از حرف‌های خود را به همان شکل گفتار بنویسید و بعد بخواهید آن را به نوشتمنه معیار زبان رسمی تبدیل کنید، به این تفاوت، بیشتر پی خواهید برد. در آن صورت، اولین خواننده و شنونده حرف‌هایتان خود شما خواهید بود و پیش از این که دیگران به نوشتمنه شما خُرده بگیرند، خودتان آن را بازخوانی و اصلاح خواهید کرد. هر چه بیشتر بخوانیم و بنویسیم و دیگر بار، بخوانیم و بنویسیم؛ یعنی بازخوانی و بازنویسی کنیم، آسان‌تر به توانایی و مهارت در نوشتمن دست می‌یابیم. «کار نیکوکردن از پُرکردن است».

امیدواریم با فراگیری این چارچوب‌ها، به کمک دبیر محترم خود، بتوانید نوشتمن روشمند را فرا بگیرید، البته پشتکار در مطالعه کتاب‌های خوب و تلاش و تمرین بیشتر نوشتمن بهترین پیشنهاد برای پیشرفت است.

◆ گروه زبان و ادب فارسی

◆ دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

ستایش

آفرینش جهان جلوه‌ای از نگارش زیبایی‌ها و انشای آفریدگار است. اگر خوب چشم بگشاییم و در خلقت خودمان و پدیده‌ها تأمل کنیم، به توانایی پروردگار مهریان پی خواهیم برد و درخواهیم یافت که نخستین نگارنده، در این عالم، خداوند متعال است و باید همه آدمیان و آفریدگان را انشای الهی دانست.

مِنْتَ خَدَى رَا، عَزَّوَجَلَّ، كَه طَاعُتَش مُوجِبٌ قُرْبَتْ اَسْتَ وَ بَه شَكْرَ انْدَرَشْ مَزِيدٍ
نعمت. هر نفسی که فرومی‌رود مُمِدٌ حیات است و چون بر می‌آید مُفْرَحٌ ذات. پس در هر نفس، دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی، شُکری واجب.

از دست و زبان که برآید کز عهده شُکرش به درآید؟
بنده همان بـه که ز تقصیر خویش غُفر بـه درگاهِ خدای آورد

◆ دیباچه گلستان، سعدی ◆

الهی، ستایش از آن توست که کردگار روزی رسانی و یکتا در نام و نشانی.
الهی، دانایی و معرفتی ده که از راه نیفتیم، بینایی و بصیرتی ده تا در چاه نیفتیم.

الهی، در دل‌های ما، جز تخمِ محبت خود مکار و بر جان‌های ما، جز بارانِ رحمت خود مبار.

◆ مناجات‌نامه، خواجه عبدالله انصاری ◆

درس اول:

نقشه نوشتن

لین شهر خوش نقشون
بلند شدن از زمین دست باری نهان طایف
سچنگنی خوبی سالی بلند میخواهیم
دو طول سفر باست که همای
سریون شهر بدید لست پرسی
که در راهی نیست هایندیشیونه
سریون در آن که میان که که
بمنظر شما خوب نیست

لین شهر خوش نقشون
بیکویی همیلیان
دم طول سفر باست
سریون شدید میخواهیم
که در راهی نیست خدید
سریون راه که میان
بمنظر شما خوب نیست
مده اندیشیونه
هزون شیش خودید
لذت پروریدن خودید
لذت پروریدن خودید
لین شهر خوش
لذت پروریدن خودید
بمنظر شما خوب نیست
دو طول سفر باست
سریون شدید میخواهیم
که در راهی نیست خدید
سریون راه که میان
بمنظر شما خوب نیست
مده اندیشیونه
هزون شیش خودید
لذت پروریدن خودید
لذت پروریدن خودید



نقشه نوشتن

با ورود معلم به کلاس، شور و نشاط دانش‌آموزان بیشتر شد. معلم خوش‌فکر درس را آغاز کرد و گفت: می‌دانم که شما نوشتن را از همان سال‌های آغازین دستان آموخته‌اید اما از امسال، چگونه نوشتن را، به‌طور روشن‌مند، خواهید آموخت. اکنون، اجازه بدھید با یک مثال، کمی بیشتر

توضیح دهم:

عزیزانم، نویسنده‌گی شبیه سفر است؛ سفری واقعی و گاه خیالی؛ سفری خاطره‌انگیز و پُرماجرا.

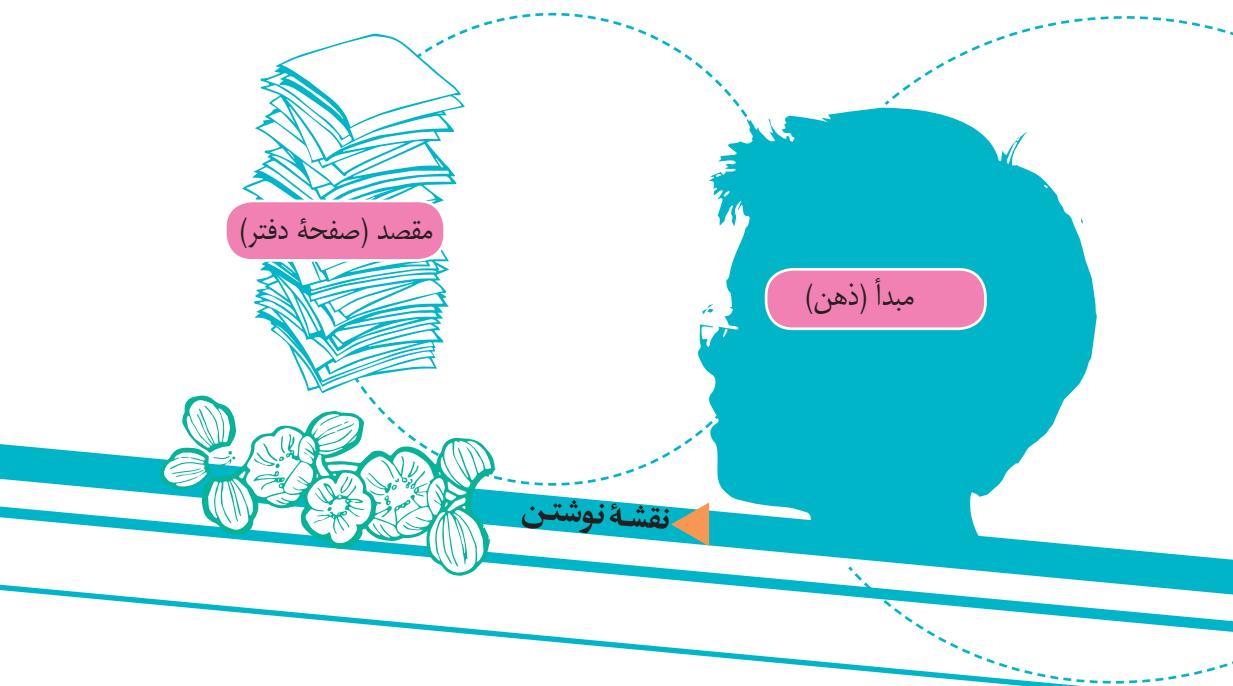
در سفر نویسنده‌گی، من و شما همراهانی هستیم که می‌خواهیم به شهری بسیار زیبا، پُرنقش و نگار و دلفریب رهسپار شویم. پیش از سفر، لازم است هم من و هم شما به پرسش‌هایی فکر کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم:

- این شهر خوش نقش و نگار کجاست؟
- آیا نقشه‌ای از آن در دست یا در ذهن داریم؟
- چگونه و با چه وسیله‌ای باید به سوی آن برویم؟

- در طول سفر، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد؟
- مسیر این شهر، هموار است یا از سر گردنه‌ها و از دل دره‌ها می‌گذرد؟

اگر درباره این پرسش‌ها بیندیشیم و نقشه راه را ترسیم و ابزار مورد نیاز را فراهم کنیم، می‌توانیم سفر نوشتمن را آغاز کنیم؛ بی‌آن که نگرانی و هراسی داشته باشیم.

به نظر شما، در سفر نوشتمن، نقطه آغاز و پایان کجاست؟
 معمولاً تصور می‌شود که نوشتمن با نگارش کلمات بر صفحه کاغذ شروع می‌شود، در حالی که هر نوشتمن، پیش از خودنمایی بر پهنه کاغذ در ذهن نویسنده، طبقه‌بندی و نوشتمن می‌شود. هر قدر این فرایند (نگارش و طبقه‌بندی ذهنی) کامل‌تر باشد، نوشتمن ما چشم‌گیرتر خواهد بود؛ بنابراین، در سفر نوشتمن، نقطه آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان سفر «صفحه دفتر» شمامست.



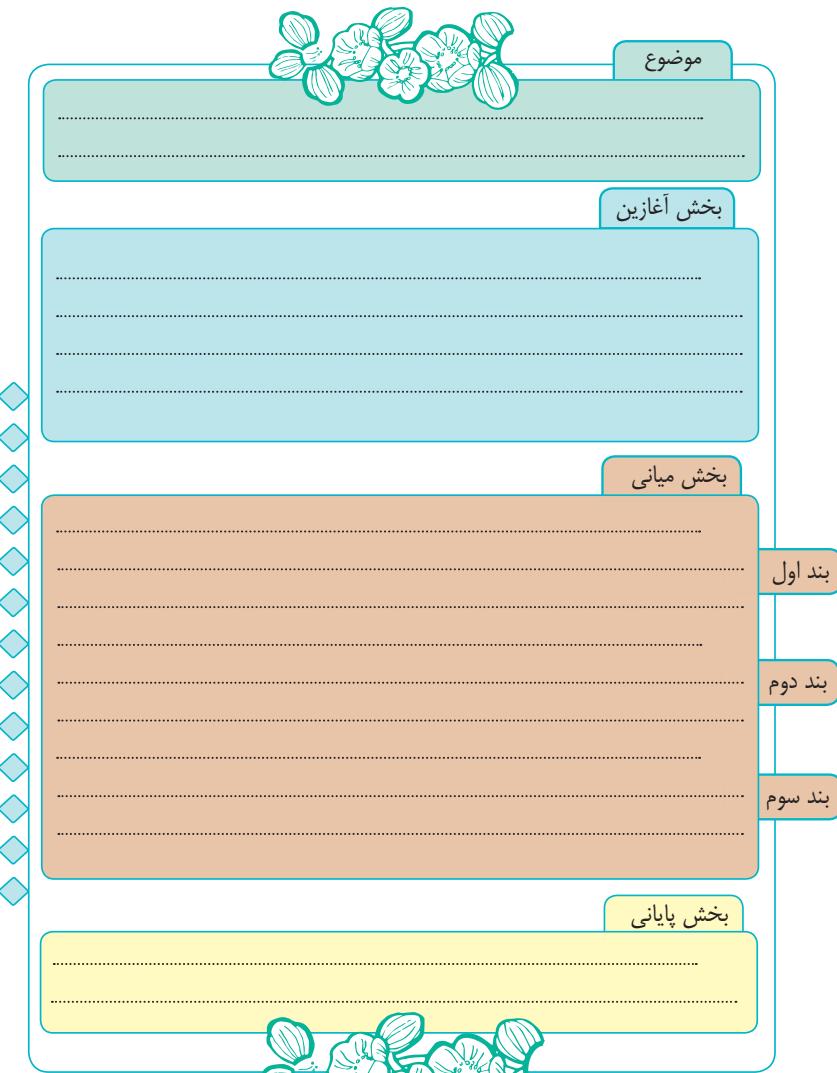
اکنون باید مسیر ذهن تا صفحه دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم آنچه در ذهن داریم آسان‌تر بر صفحه دفتر بیاوریم.

طبقه‌بندی ذهن گام اول در تهیه نقشه سفر نوشتمن است؛ این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشتمن را نشان می‌دهد. در نمایه زیر، **مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتمن** را می‌بینیم:



شكل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتمن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که او شروع به نوشتمن می‌کند، برای خودش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه این طبقه‌بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتمن متنی دقیق و منسجم است. متن‌های دقیق و منسجم خوانندگان را سردرگم نمی‌کنند.

یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشه طراحی **ساختمان نوشته** است. شکل زیر **ساختمان ساده و طبقه‌بندی اولیه ذهن و نوشته** را نشان می‌دهد.



اکنون نوشتهٔ زیر را با هم بخوانیم و به نقشۀ ذهنی و ساختمان نوشته توجه کنیم:



موضوع

دل، آشیانهٔ محبت

بخش آغازین

هر چیزی مرکزی دارد. قلب و مرکز بدن ما انسان‌ها **دل** است که مخزن و گنجینهٔ وجود به شمار می‌آید. این گنجینهٔ نیاز به مراقبت دارد.

بخش میانی

اگر راستش را بخواهید، دلم، خالی از رشتی‌ها، پاک و سفید است. من در فضای دلم هیچ جست‌وجوگری ندارم که همه حرف‌ها را برايم بیابد و به من نشان دهد؛ اما در دلم توان و نیروی بسیار فعال است و دوست و دشمن، راست و دروغ، و خوبی و بدی را فوراً شناسایی می‌کند و به هر کس اجازه ورود نمی‌دهد. به همین سبب، در دلم جز خوبی‌ها چیزی نیست.
در دلم به روی دوستان همیشه باز است تا آزادانه بیایند و بروند و هر روز به تعداد دوستانم افزوده شود. تلاش می‌کنم تا دوستان را نرنجانم.
از کسانی که با لطف و محبت می‌خواهند دلشان را پاک و بی‌کینه و زیبا نشان بدهند خوشم می‌آید؛ چون آن‌ها آدم‌های مهربانی هستند؛ هم خود را و هم دیگران را دوست می‌دارند. این کار بسیار خوبی است.

بخش پایانی

«دل» اصلی‌ترین بخش خانه وجود ماست. همه ارزش دل‌ها به سادگی و پاکی آن‌هاست. شادابی و سرزندگی یک کشور هم به جوانانی وابسته است که دلی پاک و بی‌کینه اما استوار و بی‌باک دارند. پس دلمان را سرشار از نور ایمان و لبالب از حضور دوستان کنیم.



فعالیت‌های نگارشی

نوشتۀ زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان عامل پیوند با دیگران، پیام‌دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما بپرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان.» اما با کمی تأمل، در می‌باییم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدھیم و با دیگران سخن بگوییم. ما افروزن بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلًاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست تکان می‌دهیم، در واقع، بی‌آن‌که سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبِصر کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع، به دانش آموزان یادآوری می‌کند که ساكت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ با حرکت سر، چشم، ابرو و...؛ به این زبان‌ها «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آن‌ها را به کار ببریم، با دیگران ارتباطی مؤثرتر خواهیم داشت.

اکنون از میان موضوع‌های زیر یکی را انتخاب کنید، نخست کمی درباره آن بیندیشید و پس از شکل‌گیری نقشهٔ ذهنی، سفر نوشتن را آغاز کنید:

◆ پاییز ◆ حیاط مدرسه ◆ روزی که دوست دارم تکرار شود

موضوع:

یکی از انشاهای عضو گروه خود را انتخاب و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی

- ♦ داشتن پیش‌نویس (داشتن نگاشت اول):
- ♦ داشتن پاک‌نویس (رعایت شانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری):
- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی):
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

الف. چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب. چشش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جمله الف درست است. در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری مناسب نیست؛ مگر در گفت و گوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه می‌پرسه چه خبره؟

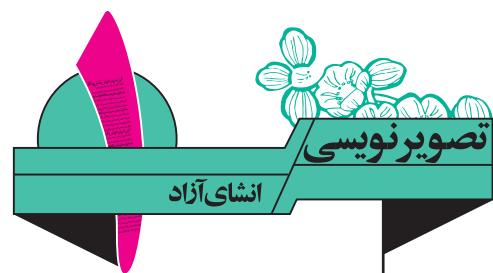
.....

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگرون بشی.

.....

تصویرنویسی

انشای آزاد



آنچه در تصویر زیر می‌بینید بنویسید. ◇



آیا خواننده نوشتئه شما، بی آن که تصویر را ببیند، می تواند تنها با خواندن نوشتئه
شما تصوری از آن داشته باشد؟

درس دوم:

بخش‌های نوشه

محله‌گزارش در جای کانفالی‌امشپیزی کی درست‌لخت‌تبلورک
وینکش امیران سالم کرد
دشمن امیران همچنان‌چشم‌نموده با اشتادن‌وسالم کرد
شتماره‌گردیه چک‌مسنونه‌کلاین از رایی ختمه
طهاده‌خوشنده‌شمعه‌دخته‌رای‌هدایی‌بلن «جدا»
و در تو
ملهم‌هدان‌طوره‌ی‌بی‌کلاس‌ای
هم خویه‌گلاره‌گردیده‌گردیده‌گردیده
کی‌سفره‌وشن از ده شروع‌سایه‌ای
بی‌پرسی‌کل

آتش‌سی‌خوا

کسی‌پاسی‌بود

بخش اول

لوبن‌ا

درنک‌نولیه

لری‌لند

نوئن





معلم نگارش، در حالی که کاغذ لوله شده بزرگی در دست داشت، وارد کلاس شد و به دانش آموزان سلام کرد.

دانش آموزان هم به احترام معلم از جا بلند شدند و سلام کردند. معلم کاغذ لوله شده را باز کرد و به کمک میصر کلاس آن را روی تخته نصب کرد. بالای کاغذ با خط درشت

نوشته شده بود: «نقشه راه‌های ایران» و تمام سطح کاغذ پُر بود از خطوط تودرتو.

معلم، همان طور که رو به روی کلاس ایستاده بود، به نقشه اشاره کرد و گفت: «می خواهم یک بار دیگر برگردیم و برویم سراغ سفر نوشتمن. اگر یادتان باشد، گفتم که سفر نوشتمن از ذهن شروع می شود و در صفحه دفتر ما پایان می پذیرد.

ما سفر نوشتمن را بر اساس یک نقشه ذهنی پیش بردیم. در مسیر نقشه ذهنی نوشتمن هم، مثل تمام راه‌ها، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد که مسافران را به تأمل و درنگ وامی دارد. در نقشه و مسیر نوشتمن، چهار بخش یا ایستگاه برای درنگ و اندیشیدن و نوشتمن داریم. این چهار بخش، که در درس قبل با آن‌ها آشنا شدیم، عبارت‌اند از موضوع، بخش آغازین یا مقدمه، بخش میانی یا تنه، و بخش پایانی یا

نتیجه گیری.»

موضوع

بخش آغازین

بخش میانی

بخش پایانی

اکنون می‌خواهیم در هر یک از ایستگاه‌های سفر نوشتمن (بخش‌های نوشته) کمی
بایستیم و درباره آن بخش گفت و گو کنیم:

◆ انتخاب موضوع

اولین ایستگاه در سفر نوشتمن «موضوع» است. بخش موضوع جایی برای درنگ
و اندیشیدن است. موضوع مثل سنگی در دریاچه ذهن نویسنده فرود می‌آید و آن را به
حرکت و پویایی وامی دارد. نویسنده، با اندیشیدن درباره موضوع، مسیر بعدی نوشتمن را
مشخص می‌کند.

اگر در انتخاب موضوع به نکات زیر توجه کنیم، راحت‌تر و بهتر می‌توانیم بنویسیم:

- موضوع مورد علاقهٔ ما باشد.
- موضوع را بشناسیم.
- موضوع با زندگی واقعی ما ارتباط داشته باشد.

◆ بخش آغازین

بخش آغازین (بند مقدمه) ایستگاه دوم در سفر نوشتمن است. بخش آغازین روزنه‌ای
است که از مسیر آن، فضای پیش رو را به خواننده نشان می‌دهیم. در آغاز نوشتمن، جمله‌هایی
آورده می‌شود که اندیشهٔ اصلی نویسنده و نوشتمن را بیان می‌کنند. خواننده با ورود به نوشتمن
به فضای حاکم بر متن پی می‌برد. در حقیقت، بخش آغازین نشان‌دهنده نقشة کلی نوشتمن
و تصویری از کل موضوع است.

اگر به موارد زیر توجه کنیم، آغاز بهتری خواهیم داشت:

- بخش آغازین، کوتاه باشد.
- بخش آغازین، موضوع را به سادگی و روشنی معرفی کند.
- بخش آغازین، کل فضای نوشتمن را نشان دهد.

◆ بخش میانی ◆

بخش میانی، یا تنہ، ایستگاه سوم و بخش اصلی نقشہ نوشتن است؛ همان فضای کلی است که دورنمای آن را در آغاز نوشته دیده بودیم. سخن اصلی نویسنده در بخش تنہ می‌آید. تعریف، توصیف، شرح و گسترش موضوع، در تنہ نوشته اتفاق می‌افتد. تنہ نوشته از نظر حجم هم گسترده‌ترین بخش نوشته است. باید دقت کرد که:

- بخش میانی از بخش آغازین و پایانی بیشتر باشد.
- هر بند آن فقط به یک موضوع اختصاص یابد.
- بین بندهای آن ارتباط باشد.

◆ بخش پایانی ◆

آخرین بخش هر نوشته بخش پایانی یا نتیجه‌گیری آن است. پایان نوشته، فرودگاه ذهن نویسنده است. هوایپیمایی که از ذهن نویسنده به پرواز درآمده بود اکنون، در فرودگاه فرجامین خود به زمین می‌نشیند. در پایان هر نوشته، بی‌آن که نتیجه‌گیری یا مستقیم‌گویی کنیم، پیام را به خواننده انتقال می‌دهیم.

رعایت موارد زیر به گیرایی و جاذبه بخش پایانی نوشته کمک می‌کند:

- کوتاه و گویا باشد.
- به برخی از پرسش‌های اساسی خواننده پاسخ بدهد.
- خواننده را به تأمل و تفکر درباره موضوع واردard.

معلم، پس از این گفت‌وگو، به دانش‌آموزان گفت: «حالا عزیزانم، می‌خواهم برایتان خاطره‌ای از کلاس‌های انشای خودم تعریف کنم که با درس امروز، ارتباط دارد: معلم انشای ما روزی، موضوعی به ما داد و از ما خواست درباره آن انشایی بنویسیم. آن روز، گمان می‌کردم انشای من جزء انشاهای خوب کلاس است اما بعدها، که خودم معلم انشا شدم، فهمیدم آن انشا ایرادهایی هم داشته است.

اکنون، برای ایجاد تنوع و لطیف شدن فضای کلاس، همان انشا را برایتان می خوانم و از شما می خواهم، در حین شنیدن، بخش های اصلی آن (موضوع، بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی) را مشخص کنید.»

موضوع:

«خداآوند به ما نعمت های بسیاری داده است. دو تا از این نعمت ها پدر و مادر هستند. من پدر و مادر خودم را خیلی دوست دارم و هر صبح و شب برای سلامتی آن ها دعا می کنم و از خدا می خواهم به من کمک کند تا برای آنان فرزند خوبی باشم و وظایف خودم را به خوبی انجام دهم. پدر و مادر مثل خورشید و ماه هستند که روز و شب ما را روشن می کنند.

روزی که ما به دنیا آمدیم یک طفل بودیم؛ نه می توانستیم غذا بخوریم، نه می توانستیم از خودمان دفاع کنیم، حتی یک مورچه و مگس هم زورش به ما می رسید. با ذره ای سرما ممکن بود یخ بزنیم. با کمی گرما ممکن بود بیزیم؛ با یک مریضی جان به جان آفرین تسليم کنیم. حتی ممکن بود خوراک موش و گربه و سگ همسایه بشویم اما این اتفاق ها نیفتاد و ما بزرگ شدیم.

راه رفتن بلد نبودیم؛ تا می خواستیم بلند شویم، زود به زمین می افتدیم. حرف زدن بلد نبودیم، خیلی بی ربط حرف می زدیم؛ کلمه ها را نمی توانستیم درست بر زبان بیاوریم و خیلی چیز های دیگر که خودتان بهتر از من می دانید.

چه کسی ما را از خطرها نجات داد؟ چه کسی راه رفتن را به ما یاد داد؟ چه کسی حرف زدن را به ما آموخت؟ در این جاست که به یاد این شعر می افتم:



پستان به دهن گرفتن آموخت
تاصبح نشست و خفتن آموخت
بر غنچه گل شکفتن آموخت
الفاظ نهاد و گفتن آموخت
تا شیوه راه رفتن آموخت
تا هستم و هست، دارمش دوست

گویند مرا چو زاد مادر
شبها بر گاهواره من
لبخند نهاد بر لب من
یک حرف و دو حرف بر زبانم
دستم بگرفت و پابه پا برد
پس هستی من ز هستی اوست

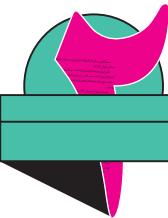
من باور دارم همان طور که پدر و مادر، وقتی که ما ناتوان بوده‌ایم، به ما کمک کرده‌اند، ما نیز باید، در وقت ناتوانی، عصای دستشان شویم و دست آن‌ها را بگیریم. پدر و مادر برای ما دو نعمت خداوندی هستند و ما باید قدر آن‌ها را بدانیم. اگر ما قدر پدر و مادر خود را بدانیم، بعداً که خودمان صاحب فرزند شویم، بچه‌های ما هم قدر ما را خواهند دانست.»

دانشآموزان، پس از شنیدن انشای معلم، بررسی گروهی را شروع کردند. بعد از پنج دقیقه گفت و گو و بحث درباره آن، نتیجه را گزارش دادند:

- **گروه اول:** موضوع نوشته شما «احترام به پدر و مادر» است.
- **گروه دوم:** بخش آغازین نوشته شما بند اول نوشته شماست.
- **گروه سوم:** بخش میانی نوشته شما چهار بند دارد؛ از بند «روزی که ما به دنیا آمدیم... تا پایان شعر.»

● **گروه چهارم:** بخش پایانی نوشته شما در بند آخر آمده است.
معلم دانشآموزان را تحسین کرد و گفت: «حالا بحث و گفت و گوی خود را ادامه دهید و هر گروه یک بخش از انشا را بررسی کنید و بگویید آیا در این انشا، هر بخش ویژگی‌های لازم را دارد؟»

دانشآموزان دست به کار شدند و معلم انشا هم پشت میز کارش به انتظار نتیجه نشست.



◆ نوشتۀ زیر را بخوانید و ویژگی‌های هر بخش را مشخص کنید.

نقشه‌های برای آینده

من برای آینده، نقشه‌های فراوانی داشتم که دلم می‌خواست آن‌ها را موبه‌مو اجرا کنم. دلم می‌خواست در آینده، مخصوص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: «چون تو خوش خط هستی، نمی‌توانی دکتر شوی. تازه، خیلی از دکترها دکتری را ول کرده‌اند و رفته‌اند سراغ ساختمان‌سازی!»

بعد، ما تصمیم گرفتیم که مهندس بشویم تا ساختمان‌های محکم‌تری بسازیم و پول‌دار شویم؛ ولی دیدم برادر بزرگم که خودش چند سال است مهندس شده هنوز پول‌دار نشده است. من خلبان‌شدن را هم خیلی دوست داشتم. هنگامی که برادران «رأیت» موفق شدند پرواز کنند، من در پوست خود نمی‌گنجیدم؛ اما الآن هر وقت اخبار را گوش می‌دهم، یک هواییما سقوط می‌کند و همیشه هم مقصراً اصلی خلبان است.

ما چون به فوتیال هم علاقه‌مند هستیم و دوست داریم یک روز به «برنامه نود» برویم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتیم داور شویم، زیرا داورها با سوت همه کار می‌کنند اما چند وقت پیش، شنیدم که تماشاجیان در ورزشگاه به داور بدوبی راه گفتند و داور هم قرمز شد.

بعد، مصمم شدیم که نویسنده بشویم؛ ولی در یک جایی خواندم اگر شکار لک لک شغل شد، نویسنده هم شغل می‌شود.

ما دیگر خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم برای آینده خود چه نقشه‌هایی بکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادرمان و با او مشورت کردیم. او گفت: نمی‌دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه تک باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، دست به انتخاب بزنیم و «رئيس جمهور» شویم.

◆ **صغری شهبازی**. مدرسه کوثر آبگرم قزوین، با تلخیص و اندکی تغییر، نقل از مجله «انشا و نویسنده»

◆ موضوعی را انتخاب کنید و درباره آن متنی بنویسید. سعی کنید هر بخش (موضوع، آغاز، میانه و پایان) نوشته شما ویژگی‌های لازم را داشته باشد.

موضوع:



◆◆◆ بر اساس معیارهای زیر، نوشته خود را با نوشته یکی از دوستانتان مقایسه کنید و نتیجهٔ بررسی را بنویسید.

سنجه‌های ارزیابی

- ♦ داشتن پیش‌نویس؛
- ♦ داشتن پاک‌نویس (رعايت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ♦ رعايت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (موضوع، آغاز، میانه، پایان)؛
- ♦ رعايت ویژگی‌های هر یک از بخش‌های نوشته؛
- ♦ شیوهٔ خواندن.

نتیجهٔ بررسی

درست‌نویسی

الف. معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست نوشته‌اش را بخواند.

ب. معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست نوشته‌اش را بخواند.

جمله الف درست است. ضمیر «آن» معمولاً برای اشیا به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌آید، مانند دانش آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آن‌ها به گردش علمی رفتند.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

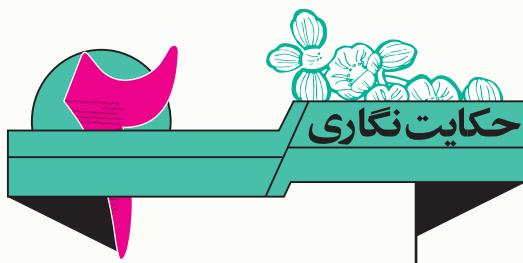
مربی دستیارش را صدا زد و از آن خواست بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

.....

این دوچرخه را دوست دارم زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

.....





نخست، اصل حکایت و سپس، شکل بازنویسی شده آن را بخوانید و با هم مقایسه کنید.

حکایت

فردی با سپری به میدان
جنگ رفته بود. از قلعه، سکنی بر
سرش زدند و بشکستند. برخیزد و
گفت: «عجب بد مردمانی هستند!
سپری به این بزرگی را نمی بینند که
سنگ بر سر می زنند.»

عبد زکانی

بازنویسی

مرد جنگجو، با زره پولادین بر تن، تیردانی پراز
تیر بر پشت، شمشیری بر زندگانی بر کمر و سپری بزرگ
در دست، راهی میدان شد.

مرد جنگجو آرام آرام به قلعه دشمن نزدیک شد.
هنوز به دروازه قلعه نرسیده بود که یکی از نگهبانان قلعه
سنگی به طرف او پرتاب کرد. سنگ چرخید و چرخید
و محکم به کله مرد جنگجو خورد. مرد جنگجو پا به
فرار گذاشت و به میان سپاهیان خودی باز گشت.
هم رزمانش، وقتی غرو لندهای مرد جنگجو را
شنیدند، از او پرسیدند: «چه شده است؟ چرا از یک
سنگ می نالی؟»

مرد جنگجو، در حالی که دستش را روی سرش می مالید. گفت: «از سنگ
نمی نالم، از این مردمان بدجنس می نالم که سپر به این بزرگی را ندیدند و سنگ
را به سر من زدند.»



اکنون، بر اساس نمونه پیشین، حکایت زیر را به نثر ساده امروزی بازنویسی کنید.

حکایت

روزی در فصل بهاران، با
جمعی از دوستداران، به هوای گشت
و تماشای صحراء دشت، یرون
رفتیم. چون در جایی خرم، جای
گرفتیم و سفره انداشتم، سگی از دور
دید و خود را نزدیک مارسانید. یکی
از دوستان پاره سگنی برداشت و
آن چنان که نان پیش سگ اندازند،
پیش وی انداخت. سگ، سگ
را بوبی کرد و بی توقف بازگشت.
سگ را صدا کردند؛ اما اتفاقات
نکرد. یکی از آنان گفت: «می دانید
که این سگ چ گفت؟» گفت:
«این بدختان، از بخیلی و گرسنگی،
سگ می خورند. از خوان و سفره
ایشان چ توقع می توان داشت؟»

بهارستان، جامی

بازنویسی

درس سوم:

طبقه‌بندی موضوع

سبس گردهای نوش‌لول سرگرم گشت
چند قیقه بدم علیه حاضل کر گردهای بیان
روی تخته‌منش

گوچکه‌های خالق لطف‌لادرد
کوچک‌العمل کارن طویلشکی
مروید
گرد و سوچه روز از از زن
ورزید مرسه
گردیده بخت این
عنه‌های زین که
نوشته گشت توستان

کدک موسی
یدنی ان ایک
سلندر صور
یک موسی
درس هم
کریم خضر
مساهم



معلم کلمه «مدرسه» را روی تخته کلاس نوشت و گفت: «در درس گذشته آموختیم که یکی از بخش‌های اصلی نوشته موضوع آن است. اکنون، اگر موضوع نوشته ما «مدرسه» باشد و ما بخواهیم درباره آن چیزی بنویسیم، بهتر است، نخست، خوب به آن موضوع بیندیشیم و پس از مشورت با یکدیگر، آن را به بخش‌ها و اجزای کوچک‌تر تقسیم یا طبقه‌بندی کنیم.» سپس گروه‌های دانش‌آموزان سرگرم گفت و گو شدند.

چند دقیقه بعد، معلم حاصل گفت و گوی گروه‌ها را به این صورت روی تخته نوشت:

- گروه یکم: بهداشت، نظام و انبساط مدرسه
- گروه دوم: ساختمان، کلاس‌ها، آزمایشگاه، کتاب‌خانه و فروشگاه مدرسه
- گروه سوم: زمین ورزش، ابزار ورزشی و مسابقات فرهنگی - ورزشی مدرسه
- گروه چهارم: دانش‌آموزان، معلمان، مدیر و معاونان مدرسه

معلم، پس از این‌که نظرهای طبقه‌بندی شده گروه‌ها را نوشت، گفت: دوستان خوب من، اگر بخواهیم یک باره وزنه‌ای بزرگ را برداریم، به‌آسانی نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم و شاید نیروی بسیاری از دست بدھیم و کاری صورت نگیرد. در این گونه موقعیت‌ها، اولین گام این است که آن وزنه بزرگ را به پاره‌های کوچک‌تری قسمت کنیم تا بار ما سبک‌تر شود.

یکی از نقشه‌های نوشتن و طبقه‌بندی ذهنی این است که یک موضوع کلی را به موضوع‌های خردتری تقسیم کنیم؛ یعنی آن را کوچک و محدود سازیم تا طبقه‌بندی و نوشتن آسان‌تر صورت پذیرد؛ مثلاً اگر قرار باشد درباره «مدرسه»، که یک موضوع بسیار کلی است، متنی بنویسیم، نخست، موضوع «مدرسه» را به

ریز موضوع‌ها تقسیم و طبقه‌بندی می‌کنیم. این کار به نظم فکری ما یاری می‌رساند.
در نتیجه، کار نوشتمن برای ما ساده می‌شود.

◆ در نمودار زیر، ساختمان یک نوشتمن با موضوع کلی و موضوع‌های کوچک شده دیده می‌شود:



◆ اکنون، نوشتۀ زیر را بخوانید و به طبقه‌بندی اجزای آن توجه کنید:

◆ مدرسه سال

سال برای هر کس یک معنا دارد. سال برای من مثل یک روز درسی در مدرسه است؛ یک روز درسی که چهار زنگ و چهار معلم دارد.

زنگ اول، خانم بهار با چادری گل‌گلی و پیراهنی سبز و روسری ای قرمز به کلاس می‌آید. خانم بهار حرف‌های تازه‌ای می‌زند. روی تخته طبیعت، نقاشی می‌کشد. به هر شاگردی که وارد کلاس می‌شود گل تعارف می‌کند. با گجشکان آواز می‌خواند. با درختان کف می‌زند. با رودخانه همراهی می‌کند. کلاس خانم بهار اصلاً کلاس خشکی نیست.

زنگ دوم، آقای تابستان کلاس را با لحنی گرم شروع می‌کند. او مردی بسیار خون گرم است. زبانی شیرین دارد و با همه گرم می‌گیرد. آقای تابستان، موقع درس دادن، شوخی‌های خوش‌مزه‌ای می‌کند و بچه‌ها را حسابی می‌خنداند. آقای تابستان خیلی هم مهربان است. بچه‌ها را در سایه خود پناه می‌دهد و میوه‌هایش را به آن‌ها می‌بخشد. خلاصه، طعم درس‌های آقای تابستان تا مدت‌ها زیر زبان ما می‌ماند. زنگ سوم، زنگ شعر است. آقای پاییز که خودش شاعر است با کوله‌باری از شعر و خاطره به کلاس می‌آید. البته او نقاش هم هست. خودش برای شعرهایش نقاشی می‌کشد. تمام رنگ‌هایی که او در نقاشی‌هایش به کار می‌گیرد شاعرانه هستند: رنگ‌های سرخ، زرد، قهوه‌ای، نارنجی، طلایی. پاییز معلمی خوب و دوست‌داشتنی است.

زنگ آخر، خانم زمستان به کلاس می‌آید و جای آقای پاییز را می‌گیرد. تابلوی زرد پاییز را پاک و با گچ سفید همه جا را سفیدپوش می‌کند. زنگ آخر است و بچه‌ها خسته‌اند و بعضی هم احساس خواب آلودگی دارند اما خانم زمستان آن قدر قشنگ درس می‌دهد که بچه‌ها خستگی و خواب را از یاد می‌برند و با خانم زمستان هم بازی می‌شوند. درس‌ها و مشق‌های خانم زمستان سرد و سنگین است اما نویدبخش بهاری سرسیز است و بچه‌ها را در سختی‌ها پرورش می‌دهد.

زنگ آخر که می‌خورد، مدرسه سال، در سکوتی نشاط‌انگیز، به انتظار می‌نشیند. خانم بهار آرام آرام از راه می‌رسد، کلاس را تحویل می‌گیرد و همه چیز دوباره شروع می‌شود. این مدرسه هیچ گاه تعطیلی ندارد.

◆ مؤلفان

موضوع

بخش آغازین

بخش میانی

با موضوع
بهار

بند ۱

با موضوع
تابستان

بند ۲

با موضوع
پاییز

بند ۳

با موضوع
زمستان

بند ۴

بخش بیانی



فعالیت‌های نگارشی

نوشتهٔ زیر را بخوانید و موضوع کلی و ریز موضوع‌های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

در دنیا عجایب و شگفتی‌های بسیاری وجود دارد. یکی از شگفتی‌های جهان خلقت جانوران هستند. جانوران گونه‌های مختلفی دارند.

پرندگان جانورانی هستند که پرواز می‌کنند. پرربال، برای پرندگان، مهم‌ترین عضو است. پرها اگرچه ظرفی‌اند، قوی نیز هستند. پرربال پرندگان که در زمان پرواز گسترده می‌شوند، در زمان سرما، لحافی گرم و پوششده، و در وقت خطر، سپری برای مخفی شدن پرندگاند. برخی از پرندگان مثل تیر پرواز می‌کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می‌دهند و عده‌ای نیز در آب شیرجه می‌زنند. شترمرغ بزرگ‌ترین پرند است و نمی‌تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت است و کوچک‌ترین پرند جهان است.

خرنده‌گان هم موجودات عجیبی هستند. آن‌ها به روی زمین می‌خرند. بدنشان فلس دارد و معمولاً تخم می‌گذارند. بزرگ‌ترین خرنده، «تمساح»، به طول هفت متر، و کوچک‌ترین آن‌ها مارمولک خانگی است که تنها ۱۸ میلی‌متر طول دارد. آبزیان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می‌کنند. آن‌ها، به جای شُش، آبُشُش دارند؛ به همین خاطر می‌توانند در زیر آب نفس بکشنند. ماهی‌ها یکی از انواع این آبزیان هستند.

دوزیستان جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آن‌ها در نوزادی ابتدا، آبُشُش دارند اما، به تدریج، با رشد کردن، صاحب یک جفت شُش می‌شوند و در خشکی، نفس می‌کشنند.

این گونه‌گونی و شگفتی خلقت جانوران یکی از نشانه‌های قدرت خداوند است و برای ما درس‌ها و حکمت‌های فراوانی دارد.

❖ با استفاده از روش طبقه‌بندی کردن موضوع، متنی با یکی از موضوع‌های

زیر بنویسید:

◆ کلاغ ◆ عینک ◆ خانہ ◆

موضع:



نحوشهایی را که در کلاس خوانده شد بر پایه سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی

- ◆ پیش‌نویسی؛
 - ◆ طبقه‌بندی کردن موضوع نوشته؛
 - ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
 - ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
 - ◆ شیوه خواندن.

نتیجہ برسی و داوری

درست‌نویسی

- ❖ الف. من و حسن به کتاب خانه عمومی شهر رفتیم و یک ساعت در آن جا مطالعه کردیم. روز بعد، من با معلم و دانشآموزان به کتاب خانه عمومی رفتیم.
- ❖ ب. من و حسن به کتاب خانه عمومی شهر رفتیم و یک ساعت در آن جا مطالعه کردیم. روز بعد، من با معلم و دانشآموزان به کتاب خانه عمومی رفتیم.
جمله الف درست است.

- برای «نهاد مفرد»، فعل به صورت «مفرد» می‌آید: من به مدرسه رفتیم.
- برای «نهاد جمع»، فعل به صورت «جمع» می‌آید: ما به مدرسه رفتیم.
- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری» باشد و بین آن‌ها «و» بباید، فعل به صورت «جمع» می‌آید: من و حسن به مدرسه رفتیم.
- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد» و بین آن‌ها «با» بباید، فعل با کلمه قبیل از «با» هماهنگ است: من با حسن به مدرسه رفتیم. ما با حسن به مدرسه رفتیم. من با دانشآموزان به مدرسه رفتیم. دانشآموزان با من به مدرسه آمدند.

❖ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

❖ پروانه در میان گل‌ها چرخیدند.

ملکه با زنبورهای عسل به سمت باغ گل‌ها پرواز کردند.

❖ دانش‌آموز و معلم در کلاس مهارت‌های نوشتاری می‌نوشت.

مثل نویسی

نوشتۀ زیر را بخوانید و اصل ضربالمثل را با شکل

گسترش یافته آن مقایسه کنید.

ضربالمثل: «**یک دست صد اندازد.**»

بازآفرینی مثل

صاحب خانه هم رزمانش را بُرد توی یک اتاق و گفت: «شماها این جا
راحت ترید.»

یک نفر از آن‌ها آواز می‌خواند و بقیه دست می‌زدند. صاحب خانه، هر چند وقت یک بار، به جمع آن‌ها سر می‌زد و برایشان چای و شیرینی می‌آورد.

مردی، گوشۀ اتاق، کنار حاج داود، نشسته بود و به در و دیوار نگاه می‌کرد. صاحب خانه توی اتاق سرکشید و چشمش به مرد ساکت افتاد و به او گفت: «اخوی، اگه با ما قهری، چرا او مدمی عروسی پسرم؟» همه برگشتند و به مرد ساکت نگاه کردند. حاج داود گفت: «از هم رزمان قدمیه.»

صاحب خانه گفت: «خیلی خوش اومدن. اما این جا که دیگه جبهه نیست، این جا عروسی پسر منه؛ اگه دست نزنید و شاد نباشد، ناراحت می‌شم.» مرد ساکت از جایش بلند شد و گفت: «خیلی دلم می‌خواست دست بزنم؛ ولی حیف که یه دست صدا نداره!» همه به آستین چپ مرد که آویزان بود نگاه کردند.

◆ **مهمان‌هایی با کفش‌های لنگه‌بلنگه**

اکنون، ضربالمثل زیر را گسترش دهید. ◆◆

ضربالمثل: «هر که با مش بیش بر فرش بیشتر»

بازآفرینی مثال

The form consists of a large light blue rectangular frame with a decorative border. Inside the frame are ten sets of horizontal dotted lines for writing. The frame is set against a background of a snowy winter scene with houses and trees.



درس چهارم:

کوچک تر کردن موضوع

معلم درس چهارم نگارش را بدین
شرط کرد و گفتند این درس، آنقدر
شامل است که باید فقط مانع
گذشته یک موضوع بزرگ و
می‌کرده و هر قسم از
خود می‌آورید.

خود کنید و برای
لاب و همه
مشاغل روستا
روستا و
جان
لست و صیغه
روستانرا آور
صحیح روشن





کوچک کردن موضوع

معلم درس چهارم نگارش را، بی‌مقدمه، شروع کرد و گفت: این درس ادامه درس قبلی شماست؛ البته با آن تفاوت‌هایی دارد. در درس گذشته، موضوعی بزرگ و کلی را کوچک‌تر می‌کردیم و هر قسمت از آن را در بخشی از نوشته خود می‌آوردیم. در این درس، بر اساس ذوق و اطلاعات خودمان، یکی از آن تکه‌های کوچک‌شده را برمی‌گزینیم و درباره آن می‌نویسیم. مثلاً «روستا» موضوعی کلی است و اگر آن را به اجزایی کوچک‌تر خرد کنیم، به ریزموضوع‌های زیر تقسیم می‌شود: آب و هوای روستا، آداب و رسوم مردم روستا، مشاغل روستایی، نوع پوشاش روستانشینان، صبح روستا و... حالا خود من، که کودکی ام در روستا گذشته است و صبح روستا و قو قولی قوچوی خروس‌های روستا را دوست دارم، از میان موضوع‌های خردشده، «صبح روستا» را انتخاب کرده‌ام و درباره آن چنین نوشته‌ام:

بامداد روستا

روستا؛ چه نام قشنگی! این نام دلنشیں خاطره‌ها و خیال‌هایی را
برمی‌انگیزد که یاد آن‌ها، همچون چشم‌های پیوسته جاری و زلال است. روستا
چیز‌های بسیاری دارد که می‌توان دربارهٔ هر یک از آن‌ها بسیار گفت و
نوشت؛ چشم‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها، دره‌ها، کشتزارها، مرغ‌ها و خروس‌ها، برده‌ها و
گوسفندها، اسب‌ها، گاوها، گربه‌ها، سگ‌ها، و خلاصه، آسمان زیبا و مزرعه‌های
رنگارانگش و هزارویک چیز از صفا و سادگی و صمیمیت مردمانش.

اما من در این جا از قو قولی‌های خروس سحری می‌گویم؛ پرنده‌ای
آسمانی که آمدن روشنایی را، زودتر از همه، در کمی کند و مژده رسیدن
خورشید را به همگان می‌دهد. بانگ خروس در سحرگاهان روستا، تنها
صدای بیدارباشی است که مردم روستا را به بیداری و نماز فراموشاند.
در روستا، همه چیز نشان از کوشش و تلاش دارد. قو قولی قوچوی
بامدادی خروس هم زنگ اذان است و هم آغاز یک روز کار و تلاش
خستگی‌ناپذیر. آبادانی ایران به همین کوشندگی کارگران و کشاورزان
و خرمی دشت و طبیعت روستاها وابسته است.

خروس پیک سحری است. روستانشینان سحرخیزانی هستند که
پیش از خورشید، طلوع می‌کنند و با تلاش خود، به زندگی گرمی و گوارایی
می‌بخشنند.



حالا، از شما می‌خواهم با من قدم به قدم پیش بیایید.

● یک موضوع کلی را انتخاب کنید.

● آن را در ذهنتان به موضوع‌های کوچک‌تری تقسیم کنید.

● اکنون، بینید به کدام موضوع علاقهٔ بیشتری دارید و اطلاعاتتان دربارهٔ کدام موضوع بیشتر است.

● با توجه به علاقهٔ و دانش خود، یکی از موضوع‌های کوچک را برگزینید.

● یک بار دیگر طبقه‌بندی نوشته (موضوع، آغاز، میانه و پایان) را در نظر بگیرید.

● پس از این مراحل، قلم را بردارید و نوشتن را آغاز کنید.

بعد از سخنان معلم، بیست دانش‌آموز نویسنده، با سکوتی متفکرانه، در خانهٔ خیال خود، به موضوع، اطلاعات لازم دربارهٔ موضوع و طبقه‌بندی آن می‌اندیشیدند. معلم، که احساس خوبی نسبت به پیشرفت دانش‌آموزان داشت، با صدایی ملایم گفت: «هر وقت نقشهٔ ذهنی‌تان کامل شد، می‌توانید نوشتن را آغاز کنید. شک ندارم که مزهٔ خوش نوشتن و خاطرهٔ شیرین آن در یادتان خواهد ماند.»

سپس، نوشتن آغاز شد و قلم دانش‌آموزان روی کاغذ به حرکت درآمد و معلم نگارش هم، همراه دانش‌آموزان، نوشتن را آغاز کرد.



نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز یعنی روز نو، روز گار نو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

درختان از نوشکوفه و برگ می‌کنند و از نومیوه می‌دهند. چشمه‌های بسیاری از کوه سرازیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات فراوانی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.

در نوروز، همه سعی می‌کنند نو و تازه‌تر به نظر بیایند؛ خانه نو، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و... .

مامان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند و همه چیز را برق می‌اندازد.

بابا هم دست به نوآوری می‌زند؛ چیزهای نو می‌خرد، خاک باعچه را عرض می‌کند و یکی دوتا نهال یا گل رُز هم می‌کارد.

بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشند؛ از بزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جاهای نو و تازه را می‌بینند.

راستی! کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید.» شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

◆◆◆ یکی از موضوع‌های کلی زیر را انتخاب کنید. آن را به ریز موضوع‌هایی تقسیم کنید و دربارهٔ یکی از این ریز موضوع‌ها متنی بنویسید.

◆ محل زندگی ما ◆ آسمان شب ◆ ایران

موضع:



یکی از نوشه‌های گروه دیگر را انتخاب کنید و آن را بر اساس سنجه‌های زیر، بررسی و نقد کنید. نتیجه کار خود را در جای مشخص شده بنویسید و سپس در کلاس بخوانید.

سنجه‌های ارزیابی

- ◆ پیش‌نویسی؛
- ◆ کوچک کردن موضوع نوشته؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

درست‌نویسی

◆ آنقدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زبانم مو در آورد».

◆ آنقدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».

جمله اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «**به قول معروف**» سخن معروف و شناخته شده‌ای قرار گرفته است؛ اما در جمله دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هر گاه در نوشته‌ای عبارت «**به قول معروف**» را به کار ببریم، باید پس از آن، حتماً سخنی معروف، بیتی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم:

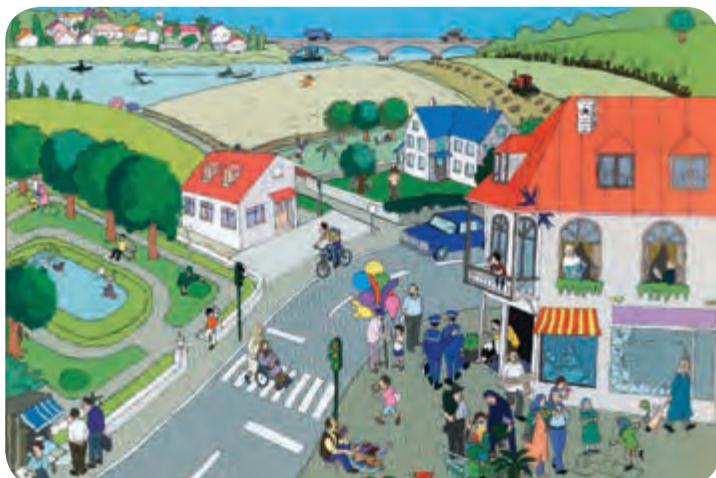
◆ برای آمدن تو آنقدر صبر کردم که به قول معروف زیر پاییم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ وقتی دو مبصر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

◆ از بس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

◆ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آن‌ها بیندیشید و هر یک را در نوشهای جدآگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشهای شما تشخیص دوستانتان است. یعنی زمانی که نوشهای هایتان را در کلاس می‌خوانید، آن‌ها باید تشخیص دهند هر نوشتہ مربوط به کدام تصویر است.





Handwriting practice lines for the top section of the page.



Handwriting practice lines for the bottom section of the page.



درس پنجم:

بندهای بخش میانی (بدنه)

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند

دسته هایی از این بندها که در این بخش معرفی شده اند



بخش میانی

معلم نگارش وارد کلاس شد و روی صندلی خود مقابل بچه‌ها نشست و کتابی از کیفیش درآورد. جلد کتاب، آبی بود و روی آن با خط درشت نوشته شده بود: «ماتیلدا».

معلم کتاب را باز کرد و گفت: «بچه‌های عزیز، به دو صفحه اول این رمان گوش دهید تا بعد بگوییم بین این متن با درس جدید چه ارتباطی وجود دارد.» و اما داستان:

پدر و مادرها، حتی اگر فرزندشان بدترین موجود عالم باشد، باز گمان می‌کنند تحفه‌ای بی همتاست. بعضی از آن‌ها از این هم فراتر می‌روند و گمان می‌کنند رگه‌هایی از نبوغ در فرزندشان هست. آن‌ها معمولاً از هوش سرشار بچه‌هایشان برای ما سخن می‌گویند.

معلمان مدرسه، در چنین مواقعي، خیلی رنج می‌کشند. آن‌ها با این که می‌دانند این تعریف و تمجیدها هیچ نسبتی با هوش این دانش‌آموز ندارد، مجبورند همین طور گوش بدهن و با تکان‌دادن سرشان تأیید کنند؛ در ظاهر بخندند و در باطن غصه بخورند.

اگر من معلم بودم، برای این والدین چیزهایی می‌نوشتم و به آن‌ها نشان می‌دادم که اوضاع آن‌قدرها هم گل و بلیل نیست! مثلاً می‌نوشتم: «پسر شما، ماکسیمیلیان، جداً افتضاح است. خدا کند کسب و کار خانوادگی داشته باشید که بتوانید، بعد از ترک تحصیل، آن جا بچپانیدش! و گرنه محال است جای دیگری کاری گیرش بیاید!»

گاهی به پدر و مادرهایی برمی‌خوریم که نقطه مقابل گروه قبلی هستند. هیچ عشق و علاقه‌ای به فرزندشان نشان نمی‌دهند... ماتیلدا.

که دختری باهوش بود، پدر و مادرش از این دسته بودند و چنان سرگرم زندگی خود بودند که متوجه زیرکی دخترشان نشده بودند... او دلش برای خواندن کتاب پرمیزد....(ماتیلدا)
با تلخیص و اندکی تغییر)

معلم به این جای داستان که رسید، کتاب را بست و بلند شد و گفت: اکنون این بخش از رمان را در اختیار گروه‌ها می‌گذارم تا درباره آن گفت و گو کنند.

معلم برگ‌های چاپ شده را بین گروه‌ها تقسیم کرد؛ سپس گفت: اول بگویید این متن چند بند دارد.

تقریباً همه کلاس جواب دادند: چهار بند.

معلم گفت: حالا به هر بند، به طور جداگانه، نگاه کنید و به این پرسش‌ها فکر کنید:

- آیا در هر بند، موضوع خاصی مطرح شده است؟
- جمله آغازین هر بند چه فرقی با جمله‌های بعدی دارد؟
- بین موضوع هر بند با موضوع بندهای دیگر چه ارتباطی هست؟

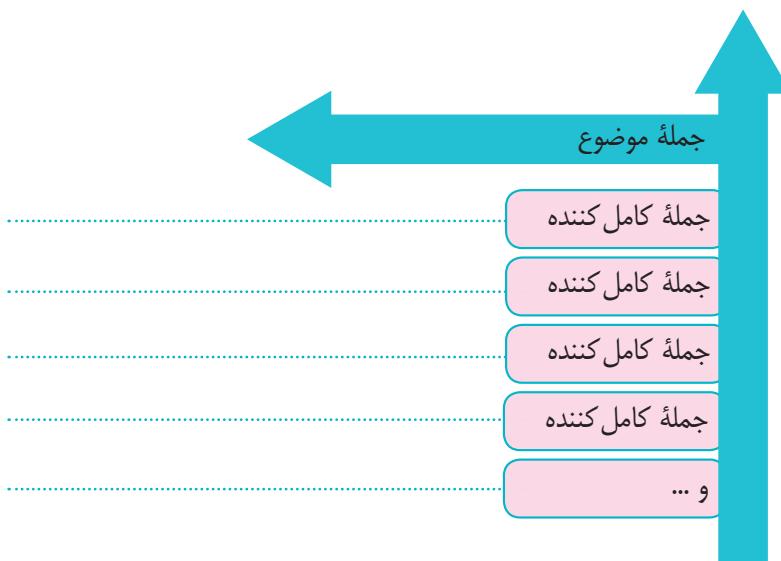
دانشآموزان مشغول بررسی و گفت و گو شدند. معلم به هر گروه سر می‌زد و سعی می‌کرد آن‌ها در ارتباط با موضوع بحث راهنمایی کند. بعد از به پایان آمدن فرصت، معلم به دانشآموزان گفت: حالا به چند نکته توجه کنید:

برای آن که بخش‌های مختلف نوشته شما ارتباط محکمی با هم داشته باشند، باید اجزا و ساختار بند را بیشتر بشناسید.

◆ هر بند دو قسمت دارد: جمله موضوع، جمله‌های کامل کننده.

هر بند خودش یک موضوع دارد که، در عین استقلال، با موضوع بندهای دیگر هم ارتباط دارد. برای نوشتن یک بند، فکر یا موضوع آن بند را در جمله‌ای بیان می‌کیم. به این جمله «جمله موضوع» می‌گویند. جمله موضوع، معمولاً در آغاز بند نوشته می‌شود. بعد از جمله موضوع که جمله اصلی بند است، چند جمله دیگر می‌آید؛ این جمله‌ها همان «جمله کامل کننده» هستند. این جمله‌ها برای تأیید، توضیح و یا برای روشن ترکردن مقصود جمله موضوع نوشته می‌شوند و کامل کننده معنای آن هستند.

نمودار زیر ساختار بند را نشان می‌دهد:



حالا یک بار دیگر به متن قبلی نگاه کنید. هر گروه، به ترتیب، یک بند آن را بررسی و نتیجه را در کلاس بیان کند.

بعد از چند دقیقه، معلم پشت میز نشست و از گروهها خواست تا نتیجه کارشان را گزارش دهند. نتیجه کار گروهها به این صورت بود:

● گروه اول: موضوع بند اول علاقه بیش از حد بعضی از پدرها و مادرها به فرزندانشان است. جمله «پدر و مادرها، حتی اگر فرزندشان بدترین موجود عالم باشد، باز گمان می‌کنند تحفه‌ای بی‌همتاست.» **جمله موضوع است و جمله‌های بعدی جمله‌های کامل کننده یا تکمیلی هستند.**

● گروه دوم: بند دوم اندازه بند اول است و از بندهای دیگر کوتاه‌تر است. موضوع بند درباره رنجی است که معلم‌ها از علاقه زیاد پدران و مادران نسبت به فرزندشان تحمل می‌کنند. جمله «معلمان مدرسه، در چنین موقعی، خیلی رنج می‌کشند.» جمله موضوع است و جمله‌های دیگر هم تکمیل کننده جمله اول هستند.

● **گروه سوم:** بند سوم بلندترین بند این متن است. موضوع این بند واکنش نشان دادن به تعریف و تمجیدهای اغراق‌آمیز پدرها و مادرها از فرزندانشان است. جمله موضوع «اگر من معلم بودم، برای این والدین چیزهایی می‌نوشتم و به آن‌ها نشان می‌دادم که اوضاع آن قدرها هم گل و بلبل نیست!» است. جمله‌های بعدی هم تکمیل کننده همین پیام هستند.

● **گروه چهارم:** موضوع بند چهارم برعکس موضوع بند اول است؛ یعنی بی علاقگی بیش از اندازه پدرها و مادرها به فرزندانشان. جمله موضوع، که مثل بندهای دیگر در ابتدا آمده، این است: «گاهی به پدر و مادرهایی برمی‌خوریم که نقطه مقابل گروه قبلی هستند.» جمله‌های بعدی هم مثال‌هایی است که برای تکمیل و تأیید جمله موضوع نوشته شده‌اند. سرانجام، معلم همه گروه‌ها را تشویق کرد و گفت: خوش‌حالم که درس را به خوبی یاد گرفته‌اید. در این درس، آموختیم که هر نویسنده تلاش می‌کند، معمولاً، نخست، حرف اصلی خود را در اولین جمله نوشته بیاورد و در ادامه، همان معنا و مقصود را، کمی بیشتر، گسترش بدهد و کامل‌تر بیان کند.



فعالیت‌های نگارشی

پس از خواندن بند زیر، جمله موضع و جمله‌های
کامل‌کننده را مشخص کنید.

سخن‌گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها، با هیجان و هراس همراه است.
ریشه این هیجان و هراس در دوران کودکی این افراد نهفته است. این
هیجان و هراس با آن‌ها به دنیا نیامده است؛ این‌گونه یادگرفته‌اند یا از
دیگران به آن‌ها منتقل شده است. روان‌شناسان می‌گویند: «ریشه بیشتر
مشکلات در بزرگ‌سالی به دوران کودکی برمی‌گردد». اگر این سخن
روان‌شناسان درست باشد، پس، هیجان و هراس هنگام سخن‌گفتن در برابر
جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی‌گردد.

جمله موضع:

جمله‌های کامل‌کننده:

درباره یکی از موضوع‌های زیر، یک بند (با رعایت ساختمان بند) بنویسید:

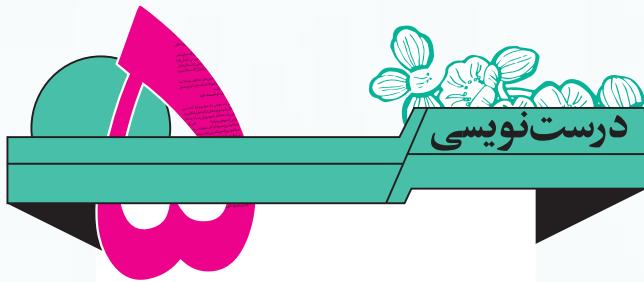
◆ کفشهای دندانی ◆ ناخن ◆ درد دندان

هر یک از بندهایی را که دوستانتان در تمرین قبل نوشته‌ند و در کلاس خواندند، با سنجه‌های زیر، ارزیابی کنید و نتیجه را بنویسید.

سنجه‌های ارزیابی

- ◆ پیش‌نویسی؛
- ◆ رعایت ساختار بند (داشتن جمله موضوع، داشتن چند جمله کامل کننده)؛
- ◆ ارتباط و نظم بین جمله موضوع و جمله‌های تکمیل کننده؛
- ◆ پیراسته‌نویسی (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری



الف. کتاب خانه‌ام را مرتب کردم. کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم، توی جعبه گذاشتیم و به کتاب خانه محل هدیه کردم.

ب. کتاب خانه‌ام را مرتب کردم و کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم و توی جعبه گذاشتیم و به کتاب خانه محل هدیه دادم.

جمله الف درست است. در جمله ب از «واو» ربط (حرف پیوند میان جمله‌ها) بی‌جا و بی‌رویه استفاده شده است.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

مادرم خانه را ترو تمیز کرد و فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توب دوید و بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت و به دروازه نزدیک شد و گل زد.

حکایت نگاری

◆ حکایت زیر را به نثر ساده امروزی بازنویسی کنید.

حکایت

شخصی خانه به کرایه گرفته بود.
چوب‌های سقف بسیار صد امی داد. به
خداوند خانه، از بر مرمت آن، سخن
گلشاد. پاسخ داد: چوب‌های سقف ذکر
خدا می‌کند. گفت: «نیک است؛ اما
می‌ترسم این ذکر به سجود بیجامد.»

عبد‌الاکبر

بازنویسی

درس ششم:

جملة موضوع

اعتيت حملة ورقة
بشت انتبه من سيد و
بلطفه على طلاقه
طلاقه قبل اسكنه
لحد
بلطفه اكيه
وحليل طلاقه
لعل اوريه سود
ويهد
بنادق حملة
اجمله
من تفاصيل است در فاص
ذوقها سنا طلاقه سود
حاجه هم اكير بهدوه حدوه سراه ارام
رواقها لورى خوشگاهه و خوشبره
برنده كفره شونه
حمله و حمله و حمله
حمله و حمله و حمله
اس توسته مهات حمله و حمله
ليل لال لال حمله و حمله
خوان حمله و حمله

طرد
هي
ان
ي
مس



جمله موضوع

معلم، پیش از پرداختن به درس، برای یادآوری آموخته‌ها به دانش‌آموزان گفت: شما تاکنون، نقشه نوشتن، طبقه‌بندی ذهن و کوچک‌تر کردن موضوع را یادگرفته‌اید و با ساختار بند، یعنی جمله موضوع و جمله‌های تکمیل کننده، آشنا شده‌اید.

در این درس، باز هم می‌خواهیم درباره ساختار بند گفت و گو کنیم. در درس قبل، گفته‌یم بند سالم و کامل، بندی است که یک جمله موضوع و چند جمله تکمیل کننده دارد.

یک بار دیگر، به نمودار ساختار بند توجه کنید:

جمله موضوع

جمله کامل کننده

جمله کامل کننده

جمله کامل کننده

جمله کامل کننده

...

اهمیت جمله موضوع از جمله‌های تکمیل‌کننده بیشتر است؛ به همین سبب، در این درس، تلاش می‌کنیم تا جمله موضوع را بهتر و بیشتر بشناسیم. جمله موضوع و جمله‌های تکمیل‌کننده ساختمان بندهای بدنه را تشکیل می‌دهند.

اگر از بندهای بدنه آغاز می‌کنیم، هر یک از بندهای بدنه یک موضوع اصلی دارد. موضوع اصلی هر بند، معمولاً در اولین جمله آن، آورده می‌شود. به این جمله «جمله موضوع» گفته می‌شود.

در نوشته زیر، که یک بند است، جمله نخست آن، «بهار فصل روییدن و تازه شدن است»، جمله موضوع است.

«بهار فصل روییدن و تازه شدن است. در فصل بهار، همه موجودات از خواب زمستانی بیدار می‌شوند. خاک هم تکانی به خود می‌دهد و سبزه‌ها را می‌رویاند و شاخ و برگ خشکیده درختان هم سرسبز و پُرشکوفه می‌شوند.»

جمله موضوع مهم‌ترین جمله بند است. از این رو، جمله موضوع راهنمای خوبی برای نویسنده و خواننده است. نویسنده، با نوشتن جمله موضوع، درمی‌یابد که چه مطالبی را باید در جمله‌های بعد بگنجاند. خواننده نیز، با خواندن جمله موضوع، به آسانی می‌فهمد که موضوع بند چیست. در مثال بالا، وقتی نویسنده بند را با جمله «بهار فصل روییدن و تازه شدن است» آغاز کند، می‌داند که جمله‌های بعدی باید بیان کننده موضوع بهار و رویش باشد. خواننده نیز، با خواندن جمله موضوع، در ابتدای بند، متوجه مطالب این بند می‌شود.

چه رابطه‌ای بین جمله موضوع با بقیه جمله‌های بند وجود دارد؟

همان‌طور که در نمونه بالا دیدیم، در یک بند، به جز جمله موضوع، جمله‌های دیگری نیز وجود دارد که موضوع جمله نخست را تأیید و تقویت می‌کنند. بند یا نوشته‌ای که تمام جمله‌های آن در توضیح و شرح بیشتر فکر و موضوع جمله نخست (جمله موضوع) باشد بند یا نوشته منظم و منسجم است.

اکنون، به دو بند زیر توجه کنید:

♦ **الف: «خواندن داستان باعث رشد ذهنی کودکان می‌شود.** دنیای

داستان با تخیل آمیخته است و دنیای ذهنی کودکان نیز دنیایی سرشار از زیبایی‌های تخیل است. کودکان، در عالم خیال، خود را به جای شخصیت‌های داستان می‌گذارند و نقش آن‌ها را بازی می‌کنند. این همراهی با رویدادهای داستانی بر تجربه‌های آن‌ها می‌افزاید و سبب رشد فکری شان می‌شود.»

♦ **ب: «خواندن داستان باعث رشد ذهنی کودکان می‌شود.** نقاشی

تمرین درست نگاه کردن است. کاریکاتور تمرین جور دیگر دیدن است. خوش‌نویسی تمرین تسلط بر انگشتان و زیبانتونشتن کلام است. والدین، معمولاً، در تعطیلات تابستان، به غنی‌کردن اوقات فراغت فرزندانشان فکر می‌کنند.

همان طور که می‌بینید، در نوشتة بند الف، همه مطالب برای تکمیل و گسترش موضوع جمله اول (تأثیر داستان در رشد ذهنی کودکان) آورده شده است و بین جمله‌ها ارتباط معنایی کاملی وجود دارد؛ بنابراین، بند اول نوشتہ‌ای منسجم است؛ اما در نوشتة دوم (بند ب)، جمله‌های متن با یکدیگر و با جمله نخست ارتباط ندارند و هر کدام موضوعی جداگانه را بیان می‌کنند. این گونه نوشتہ‌ها به نوعی هذیان شبیه‌اند که با پراکنده‌گویی موضوع را از یاد می‌برند و خواننده را سردرگم می‌کنند.



فعالیت‌های نگارشی

بندهای زیر را بخوانید و سپس، موضوع بند و جملهٔ موضوع را مشخص کنید.

الف. بازی، برای کودکان، لذت‌بخش‌تر از خوردن آب و غذاست. کودکان، وقتی در شورو شادی بازی غرق می‌شوند، غذاخوردن را فراموش می‌کنند. بیشتر مادران، برای خوراندن غذا به کودکان خود، به زحمت می‌افتنند اما هر گز پیش نمی‌آید مادری، برای تشویق کودک به بازی، به زحمت بیفتند. کودکان، هنگام غذا خوردن، به سراغ بازی می‌روند ولی هنگام بازی، معمولاً دنبال غذا نمی‌روند.

موضوع بند:

جملهٔ موضوع:

ب. «کتاب‌ها مثل آدم‌ها هستند. بعضی از کتاب‌ها ساده لباس می‌پوشند و بعضی لباس‌های عجیب و غریب و رنگارانگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخوابیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها تقلب می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها پُر حرف‌اند ولی حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساكت و آرام‌اند ولی یک عالم حرف گفتنی در دل دارند...». بی بال پریدن، قیصر امین پور

..... موضوع بند:

..... جملهٔ موضوع:

برای هر یک از موضوع‌های زیر، یک بند بنویسید. ◀◀

الف. تیم والیبال کلاس ما



.....
.....
.....
.....
.....
.....



ب. صدای زنگ آخر



.....
.....
.....
.....
.....
.....

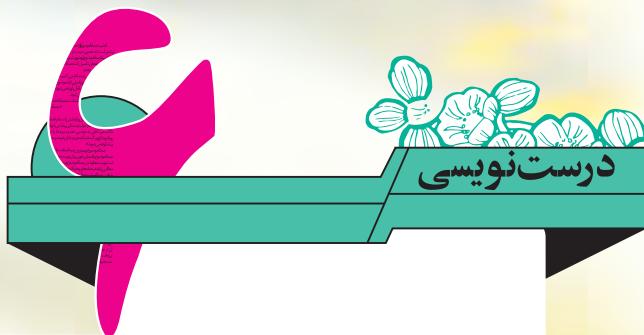


نوشته‌های دوستانتان را که در کلاس خوانده می‌شود، بر اساس معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی

- ♦ داشتن پیش‌نویس؛
- ♦ داشتن پاک‌نویس (راعیت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ♦ **راعیت ساختار بند** (داشتن جمله موضوع، داشتن جمله‌های تکمیل‌کننده)؛
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری



الف. صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه می‌رسم، ببابای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کند.

ب. صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه رسیدم، ببابای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کرد.

جمله الف درست است؛ زیرا همه فعل‌ها در زمان «حال» جریان دارند.
هنگام نوشن باید به زمان فعل‌ها توجه کرد. چرخش فعل‌ها از زمان حال به زمان گذشته، و بر عکس، نوشته را پیچیده و خواننده را سردرگم می‌کند.

جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ دوچرخه سواری، در روزهای با صفاتی اردیبهشت، دلپذیر بود. دوچرخه هم انگار خوش می‌آید. بهتر می‌رفت.

♦ گل را از روی شاخه می‌چیدم، بو می‌کشم، اما مثل همیشه از بوی آن لذت نمی‌بردم.

◆ ضرب المثل زیر را بازآفرینی کنید.

ضرب المثل: «بارگچ به منزل نمی‌رسد»

بازآفرینی



درس هفتم:

راهی بزای نظم دادن به ذهن و نوشتہ

ملکانی

پوش

چیز

نمای

دید

کشیده

گشیده



معلم خوش‌ذوق نگارش، این بار، وقتی وارد کلاس شد، رو به دانش‌آموزان کرد و گفت: «سلام، کسی اینجا نیست؟»

دانش‌آموزان همگی جواب دادند: سلام، ما اینجا هستیم.

معلم لبخندی زد. یکی از دانش‌آموزان پرسید: چرا این پرسش را مطرح کردید؟

معلم کتابی را به دانش‌آموزان نشان داد و گفت: «سلام، کسی اینجا نیست؟» اسم این کتاب است. امروز می‌خواهم بخشی از این کتاب را برایتان بخوانم. لطفاً گوش کنید:

◆ «در حالی که کنار پنجه ایستاده و به ستارگان آسمان خیره شده بودم، حرکت برق‌آسای شهاب توجه مرا جلب کرد. مسیر شهاب طوری بود که انگار توی باعچه خانه ما فرود آمده بود. کمی به همان جهت باعچه خیره شدم. ناگهان، صدایی شنیدم؛ صدای آه و ناله از طرف درخت سیب توی باعچه می‌آمد. خوب نگاه کردم؛ چشمم افتاد به پسربچه‌ای که به درخت سیب آویزان مانده بود. خود را به باعچه رساندم. آن‌چه دیده بودم درست بود. یاد قیچی با غبانی مادرم افتادم. دویدم؛ قیچی را از توی جعبه‌ایزار آوردم. یک صندوق کهنه که آن طرف بود گذاشتم زیر درخت و رفتم بالا. بند لباسش را که گیر کرده بود بريدم و او را پاين آوردم.

خودم را معرفی کردم و او هم گفت: من میکا هستم.
سیب خوش‌رنگی به طرفش گرفتم و گفتم: می‌توانی این سیب را بخوری؟
سیب را گرفت و بو کرد؛ گاز کوچکی به آن زد. بعد، گاز بزرگ تری زد.
پرسیدم: خوش‌مزه بود؟

با شنیدن این پرسش، تعظیم بلندبالایی به من کرد.
خیلی دلم می‌خواست بدام اولین باری که آدم سیب می‌خورد، مزه‌اش چطوری است؟ برای همین، پرسیدم: مزه‌اش چطور بود؟
باز هم تعظیم کرد.

از این کارش تعجب کرده بودم و پرسیدم: چرا تعظیم می‌کنی؟
گفت: «توی سیاره ما، وقتی کسی سؤال هوشمندانه و جالبی بکند، همیشه، در
برابرش تعظیم می‌کنیم.»

این عجیب‌ترین چیزی بود که تا به حال شنیده بودم.

گفتم: «پس هنگامی که می‌خواهید به کسی احترام بگذارید، چه کار می‌کنید؟»

گفت: «سعی می‌کنیم سؤال هوشمندانه‌ای پرسیم.»

گفتم: «چرا؟»

نخست، چون پرسش جدیدی بیان کرده بودم، تعظیم کوتاهی کرد و پاسخ

داد: «ما سعی می‌کنیم سؤال هوشمندانه‌ای مطرح کنیم تا طرف مقابل تعظیم کند.»

جوابش آن قدر جالب بود که من هم خم شدم و با تمام قوا تعظیم کردم.

پرسید: «چرا تعظیم کردي؟»

گفتم: «چون به سؤال من پاسخ هوشمندانه‌ای دادی.»

چیزی به من گفت که هیچ وقت آن را فراموش نمی‌کنم.

او گفت: «برای پاسخ که تعظیم نمی‌کنند! هیچ جوابی آن قدر صحیح نیست که

شایسته تعظیم باشد. تو باید در مقابل یک پاسخ خم شوی. پاسخ فقط بخشی از راه است

که پشت سر گذاشته شده؛ پرسش است که همواره به پیش رو و آینده اشاره دارد...».

این اولین ملاقات من با میکا بود. وقتی سؤال جالبی بیان می‌کردم، تعظیم می‌کرد

و وقتی پاسخ می‌دادم، به دقت، به حرف‌هایم گوش می‌داد تا ببیند می‌تواند پرسشی

مناسب مطرح کند یا نه....

سلام، کسی اینجا نیست؟ ◆

معلم دیگر ادامه نداد. بچه‌های کلاس همچنان منتظر بودند، سپس یک صدا گفتند
لطفاً ادامه بدھید. معلم کتاب را بست و گفت: «این کتاب را از کتابخانه مدرسه امانت
بگیرید و بخوانید.»

دانشآموزان عزیز، همان‌طور که در این بخش از داستان خواندید، پرسش اهمیت
بسیاری دارد و کلید خیلی از مشکلات و مسائل ذهنی ماست. ذهن بویا و فعال، معمولاً
پرسشگر است. به همین دلیل گفته‌اند: «دانان هم می‌دانند و هم می‌پرسند؛ اما نادان نه
می‌دانند و نه می‌پرسند.»

طرح پرسش مناسب، در کار نویسنده‌گی هم، کاربرد دارد. یکی از روش‌های ساده‌سازی
کار نوشتمن بهره‌گیری از چارچوب پرسش و پاسخ است. طرح پرسش به نظم ذهنی و

طبقه‌بندی و آفرینش فکری ما کمک می‌کند و جمع‌آوری اطلاعات را آسان‌تر می‌سازد. اکنون فرض کنید می‌خواهیم درباره شهید «**حاج حسین بصیر**» چیزی بنویسیم. اولین و ساده‌ترین کار این است که از شیوه «طرح پرسش» استفاده کنیم.

برای نمونه، پرسش‌ها می‌توانند این‌ها باشند:

- کی و کجا به دنیا آمد؟
- چند سال زندگی کرد؟
- در کدام روزگار و دوره تاریخی زندگی می‌کرد؟
- ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری و صفات نیک این شخصیت چه بود؟
- هم‌زمان و دوستان نام‌آورش چه کسانی بودند و چه خاطراتی از او روایت کرده‌اند؟
- کی، کجا و چگونه از دنیا رفت؟ آرامگاهش کجاست؟

در گام بعد، پرسش‌ها را با یک نظام می‌چینیم. یعنی باید به ترتیب قرارگرفتن پاسخ‌ها و ارتباط طولی آن از نظر سیر طبیعی، تاریخی و منطقی رویدادها بیندیشیم و آن را منظم کنیم. سپس، اگر به هر کدام از پرسش‌های منظم‌شده پاسخ دهیم و پاسخ‌ها را به همان ترتیب کنار هم بچینیم، نوشته‌ما پدید می‌آید.

باید تلاش کنیم پرسش‌ها را طوری طرح کنیم که با طبقه‌بندی ذهنی درس اول و بقیه آموخته‌های درس‌ها هم‌خوانی داشته باشد. در پایان، نوشته را بازخوانی، ویرایش و به شکل نهایی مرتب می‌کنیم.

اکنون به نتیجه کار نگاه کنید. اگر به پرسش‌های بالا به دقت پاسخ دهیم و پاسخ‌ها را با نظم خاصی کنار هم بچینیم، شاید چنین متنی تولید بشود:

◆ سردار حاج حسین بصیر، متولد شام غریبان سال ۱۳۲۲ خورشیدی، در یکی از روستاهای شهرستان فردون‌کنار، در خانواده‌ای کشاورز و تهی دست، دیده به جهان گشود. در آن اوضاع بسیار سخت زندگی، توانست فقط تا کلاس ششم ابتدایی تحصیل کند. از همان سنین کودکی مجبور شد که به کمک خانواده بشتاد. از این‌رو، شغل آهنگری را انتخاب کرد و تا زمان جنگ تحمیلی به آن کار اشتغال داشت. او از بسیجیانی بود که از همان روزهای نخست به میدان نبرد رفت و هفت سال، دلاورانه در عملیات و مناطق مختلف جنگی، حمامه آفرید و بارها زخمی شد و پس از اندک بهبودی، دوباره به جبهه‌ها بازگشت.

حاجی بصیر درخشنان‌ترین حمامه‌های خود را در فرماندهی گُردن همیشه خط‌شکن

«یا رسول الله ﷺ» به نمایش گذاشت و به افتخار فداکاری‌هایش، به فرماندهی تیپ و سرانجام به قائم مقامی لشکر «۲۵ کربلا» انتخاب شد. شخصیت معنوی و نفوذ کلام و قدرت تأثیرگذاری حاج بصیر نمونه بود؛ سادگی، صفا و صمیمت، فروتنی، صبر و آرامش، شجاعت و... تنها بخشی از صفات بر جسته اوست.

سردار حاج بصیر، همچون دیگر دوستان و هم‌زمانش، شهید طوسی، شهید ابوعمار، شهید شیروودی، الگوی دلیری و سرمشق سادگی و مردانگی برای جوانان و نوجوانان غیور ایران زمین است. بی‌سیم‌چی لشکر «۲۵ کربلا» درباره فرمانده خود این گونه شرح می‌دهد:

گردان «یا رسول الله ﷺ» قبل از عملیات «والفجر هشت» راهی دریای خزر شد. مدتی را، تحت فرماندهی حاج بصیر، یک دوره فشرده آموزش غواصی را در دریای خزر گذراندیم و سپس، همراه حاج بصیر، از همانجا به جبهه بهمنشیر رفتیم.

کم وقت بستن سربندها رسیده بود. چهره‌ها و حال و هوای جمع واقعاً عاشورایی شده بود. بچه‌ها یکدیگر را بغل می‌کردند، حلالیت می‌طلبیدند، در آغوش یکدیگر می‌گریستند. یکی سربند دیگری را می‌بست، یکی دیگر بین بچه‌ها اسفند دود می‌کرد. صورت‌ها همه گل انداخته بود. وقت وداع بود، حالا باید آماده رفتن می‌شدیم. حاج بصیر برای وداع آمده بود؛ بچه‌ها دورش حلقه زدند...

گفتم: حاجی این عراقی‌ها امشب خیلی بی خیال‌اند، انگار نه انگار، بچه‌ها، تا چند دقیقه دیگر، اینجا را برایشان جهنم می‌کنند.

حاجی با همان آرامش همیشگی و لبخندش گفت: آن که باید کور و کرشان کرده باشد کار خودش را کرده، ما چه کاره‌ایم.

سردار حاج حسین بصیر، پس از هفت سال جان‌فشنای در میدان‌های رزم، سرانجام، در ۴۵ سالگی، به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۶۶، در عملیات کربلای ۱۰، از بلندی‌های برف‌گیر منطقه «ماووت» عراق به شوق پرواز پرگشود و به دعوت حق‌لبیک گفت و شربت شهادت نوشید. مزار این شهید بزرگوار در زادگاهش پذیرای مشتاقان است.

فعالیت‌های نگارشی

اولاً م موضوعی، برای متن زیر، تعیین کنید، سپس برای هر بخش، پرسش‌هایی مناسب، طرح کنید.

سهراب سپهری از شاعران معاصر است که در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷، در کاشان، به دنیا آمد. پدرش «اسدالله» و مادرش «ماه‌جبین» نام داشت و هر دو اهل هنر و شعر بودند.

سپهری دوره ابتدایی و دبیرستان را در کاشان به پایان رساند و پس از فارغ‌التحصیلی از دانش‌سرای مقدماتی، به استخدام اداره فرهنگ کاشان درآمد. سپس به تهران آمد و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد. سهراب، در زمینه شعر، آثاری ارزشمند پدیدآورد. شعرهایش بسیار لطیف و پر از احساس و عاطفه است. مجموعه شعر «هشت کتاب» اثر معروف اوست.

او به فرهنگ مشرق زمین علاقه خاصی داشت و به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین سفر کرد.

سپهری، اردیبهشت ۱۳۵۹، در تهران، درگذشت. آرامگاهش در اردنهال کاشان است.

موضوع:

پرسش‌ها

- ؟.....◆
- ؟.....◆
- ؟.....◆
- ؟.....◆

◆◆ زندگی نامه یکی از بزرگان محل زندگی تان را با طرح سوال‌های مناسب
بنویسید.



هر گروه یکی از نوشتهدای گروه دیگر را انتخاب کند و بر اساس معيارهای زیر، آن را بررسی و نقد کند.

سنجه‌های ارزیابی

- ♦ داشتن پیش‌نویس؛
- ♦ داشتن پاک‌نویس (راعیت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشه (آغاز، میانه، پایان)؛
- ♦ طرح‌ریزی نوشه با پرسش‌های مناسب؛
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

درست‌نویسی

الف. نام نشان ماست، نام من فریدون است و دارم برایت نامه می‌نویسم.

ب. نام نشان ماست، نامه من فریدون است و دارم برایت نامه می‌نویسم.

جمله الف درست است. به کارگیری نشانه «ه» در دومین جمله ردیف «ب» در کلمه «نامه» نادرست است. آن‌چه در این جمله، از این کلمه، تلفظ و شنیده می‌شود، صدای «-» است.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ سوار از راه رسید؛ سواره بر اسب. او پیاده بود و ما سواره.

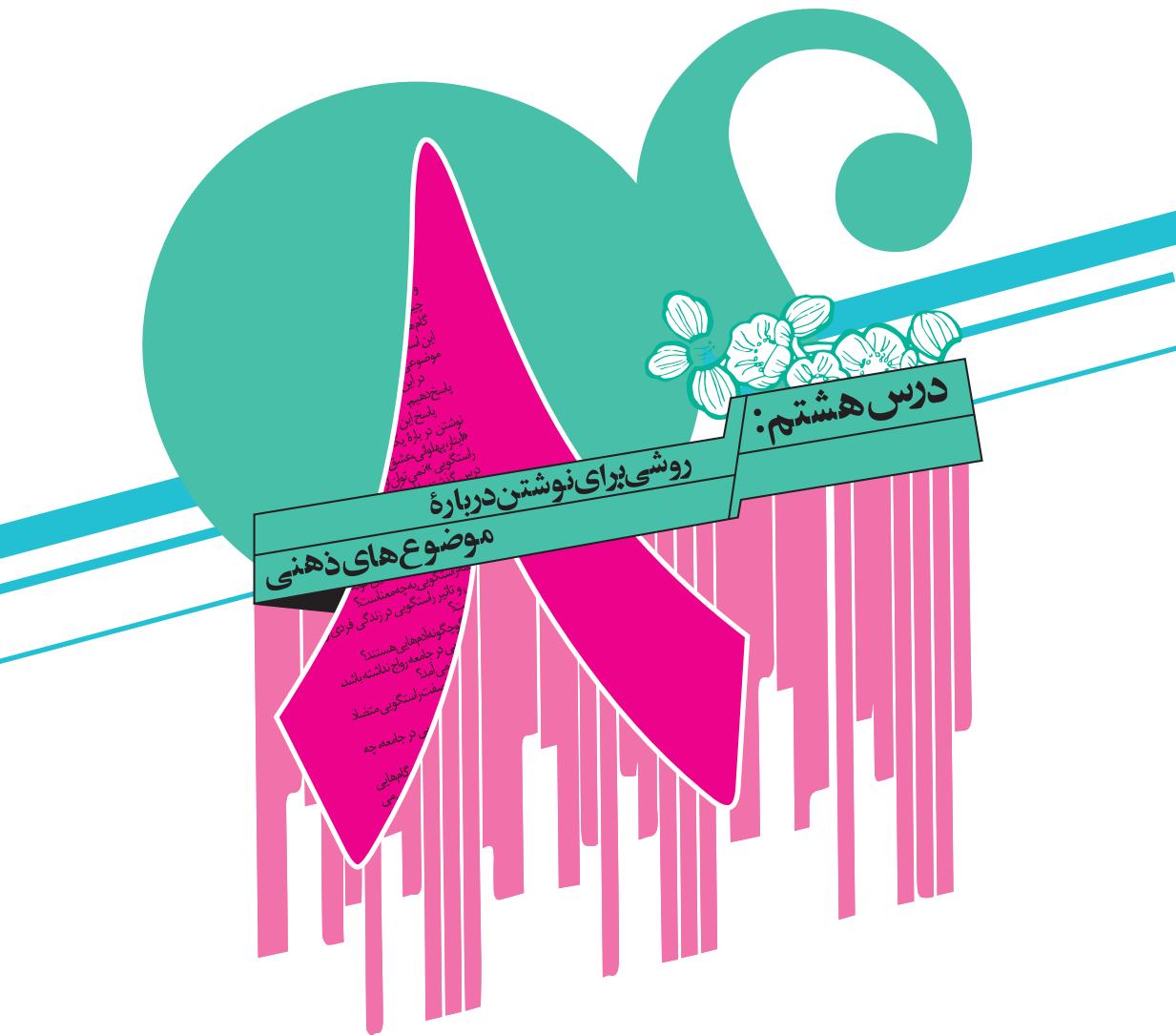
◆ کار جوهر انسان است. کاره من خواندن و نوشتن است؛ من همه کاره نیستم.

تصویرنویسی

انشای آزاد

◆ تصویری را در ذهن خود ایجاد کنید. از قدرت تخیل خود بهره بگیرید و به جزئیات آن بیفزایید. هر وقت تصویر ذهنی شما کامل شد، نوشتن را آغاز کنید. جزئیات را به گونه‌ای بنویسید که با خواندن آن، تصویر ذهنی شما نشان داده شود.





موضوعاتی ذهنی

سفر پر ماجرای نوشتمن تمامی نداشت. قطار کلاس نگارش، طبق نقشه، در ایستگاههای مختلف می‌ایستاد و دویاره به راه می‌افتد. معلم خوش‌ذوق نگارش به دانش آموزان وعده داده بود که اگر این سفر زمینی را طبق نقشه و درست و دقیق بپیمایند، سفر آسمانی آن‌ها شروع می‌شود؛ یعنی ذهنشان به پرواز درمی‌آید و لذت نوشتمن را بیشتر می‌چشند.

معلم انشاء، این بار، درس را بی مقدمه آغاز کرد و گفت: «آموختیم که اگر درباره شخص و مکان و یا چیزی از این گونه، بخواهیم بنویسیم، بر پایه همان گام‌های بادشده عمل می‌کنیم. اما آیا با روش طرح پرسش می‌توان درباره هر موضوعی نوشت؟»

در این درس، تلاش می‌کنیم به این پرسش پاسخ دهیم.
پاسخ این پرسش، قطعاً منفی است. برای نوشتمن درباره یک صفت یا مفهوم ذهنی مثل ایثار، پهلوانی، عشق، میهن‌دوستی، مهر مادری و راست‌گویی، پرسش‌ها گونه‌ای دیگر خواهد بود؛ مثلاً اگر بخواهیم درباره موضوع «راست‌گویی»، انسایی بنویسیم، نوع پرسش‌های طرح شده این گونه خواهد بود:

- کلمه راست‌گویی به چه معناست؟
- نقش و تأثیر راست‌گویی در زندگی فردی و اجتماعی چیست؟

- افراد راست‌گو چگونه آدم‌هایی هستند؟
- اگر راست‌گویی در جامعه رواج نداشته باشد، چه مشکلاتی به وجود می‌آید؟
- چه صفت‌هایی با صفت راست‌گویی متضاد هستند؟
- برای رشد و رواج راست‌گویی در جامعه، چه باید کرد؟

پاسخ به این پرسش‌ها، در حقیقت، گام‌هایی است که ما را به سمت کامل‌کردن نوشته پیش می‌برد. بهره‌گیری از این چارچوب برای نوشتمن به ذهن ما کمک می‌کند که راحت‌تر فکر کنیم و آسان‌تر بنویسیم.

◆ متن زیر پاسخی به پرسش‌های بالا است:

«راستی و راست‌گویی یکی از صفت‌های پسندیده انسان است. واژه راست‌گویی کلمه‌ای است که از دو بخش «راست» و «گویی» تشکیل شده است. بخش نخست این کلمه به معنای درست، سالم و صحیح است؛ بخش دوم از ریشه «گو» و «گفتن» است. بنابراین، راست‌گویی یعنی گفتن حرف راست و درست، درست‌گویی، کلمات و مفاهیم صحیح را بر زبان آوردن و از نادرستی و دروغ، پرهیز کردن.

کسی که سالم زندگی کند و در رفتار و گفتار با مردم جامعه پیرامون خود، راست‌گویی و صداقت را پیشنهاد می‌کند و در کارهای خود موفق و مورد اعتماد مردم است و همه آرزو می‌کنند با چنین کسی دوست باشند. به همین سبب، این فرد، به طور طبیعی، سرمشق دیگران می‌شود و دوستان بسیاری پیدا می‌کند و هرگز در سختی‌ها و دشواری‌ها تنها نیست.

اگر در جامعه‌ای، بیشتر مردم راست‌گویی را پیشنهاد کنند، همدلی، اتحاد، پیشرفت و سربلندی در آن جامعه ایجاد می‌شود. در چنین اجتماعی، روحیه احترام گذاشتن، محبت، کمک و همراهی در شادی و غم رشد می‌کند؛ مثلاً در یک کلاس، اگر همهٔ ما دوستانی همدل و مهربان با هم باشیم و راست‌گویی را سرمشق خود قرار دهیم، هم در یادگیری درس یاور همدیگر خواهیم بود و پیشرفت بهتری خواهیم داشت و هم هیچ گاه احساس تنها نخواهیم کرد. افرادی که راست‌گویی و صداقت را سرمشق خود قرار می‌دهند و همیشه کارهای خوب می‌کنند مورد احترام دیگران هستند و چون دروغی بر زبان نمی‌آورند، نگران این هم نیستند که نکند روزی دروغشان آشکار شود؛ به همین دلیل، راست‌گویان همیشه آرامش دارند و خدا را برای این لطف، شکر می‌کنند.

حال اگر راستی و درستی، در بین مردم، کم‌رنگ شود و دروغ‌گویی جای راست‌گویی را بگیرد، دوستی‌ها و مهربانی میان مردم به دشمنی و کینه‌جویی تبدیل می‌شود، شیرینی و

خوشی‌های زندگی به تلخی و ناگواری دگرگون می‌شود و همه از یکدیگر فرار می‌کنند. جامعه‌ای که گرفتار دروغ و کج رفتاری شده بیمار است و نمی‌تواند بزرگ شود و پیشرفت کند و حتی در برابر دشمنان هم توان دفاع از خود را ندارد. برای این که راست‌گویی در جامعه پرورش یابد و رشد کند و ناراستی، دروغ و نیز نگ از بین برود، باید راست‌گویان و راست‌کرداران جامعه را شناسایی کنیم، رفتار آنان را سرمشق خودمان بسازیم و به آنان احترام بگذاریم و از نیکی‌های این افراد و تأثیر رفتار نیکوی آنان، برای دیگران سخن بگوییم تا راست‌گویی و راست‌گویان الگوی جامعه ما قرار گیرند.»

◆ چند راهکار مناسب برای بهره‌گیری از این شیوه در طرح پرسش‌ها

ویژگی پرسش‌ها

- فقط به اصل موضوع بپردازند.
- بر پایه ساختمان نوشته (رعایت موضوع، بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی) چیده شوند.
- همه جنبه‌های موضوع را دربر گیرند.

◆ چند راهکار مناسب برای بهره‌گیری از این شیوه در ارائه پاسخ‌ها

ویژگی پاسخ‌ها

- فقط در جواب موضوع اصلی باشند.
- بر پایه نظم منطقی و رعایت ساختار نوشته تنظیم شوند.
- نتیجه مطالعه و تحقیق باشند.
- با نمونه و مثال از رفتارها و گفتارها همراه باشند.
- پاسخ‌ها کوتاه و گویا نوشته شوند.



فعالیت‌های نگارشی

ابتدا موضوعی، برای متن زیر تعیین کنید، سپس برای هر بخش، پرسش‌هایی مناسب، طرح کنید.

شجاعت این است که انسان، در موقع لزوم، در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، نترسیدن نیست. مثلاً آن کس که با کمال بی‌پرواپی، در کوچه و خیابان، مرتكب حرکات شرم‌آور می‌شود شجاع خوانده نمی‌شود. شجاع کسی است که از مرگ و خطر و عواقب کارهای بد بترسد؛ ولی در موقع ترس، خود را نباشد و دست‌وپای خود را گم نکند. فرماندهی که در زیر آتش توپ خانه دشمن بر جان خود می‌ترسد، با وجود آن، تاب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد، فردی شجاع است. حتی زمانی که، با زبردستی و مهارت، عقب‌نشیینی می‌کند، شجاع است. وقتی باید او را ترسو خواند که در مقابل دشمن، عقل خود را از ترس گم کند و به کاری دست بزند که به زیان لشکر یانش تمام شود.

شجاعت فقط شجاع بودن در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان نظر و عقیده درست خود را، با جرئت، بیان کند و در بیان حقیقت، از هیچ چیز و هیچ کس هراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت به انسان نیرو، اعتماد و دلیری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند هرگز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود به خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بهمنیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۲، با کاهش و تغییر

موضوع:

پرسش‌ها

- ?.....
- ?.....
- ?.....
- ?.....

برای موضوع «**فداکاری**»، پرسش‌هایی طرح کنید و بر اساس آن، متنی بنویسید.

پرسش‌ها

.....
.....
.....
.....



پاسخ‌ها (نوشتة شما)

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

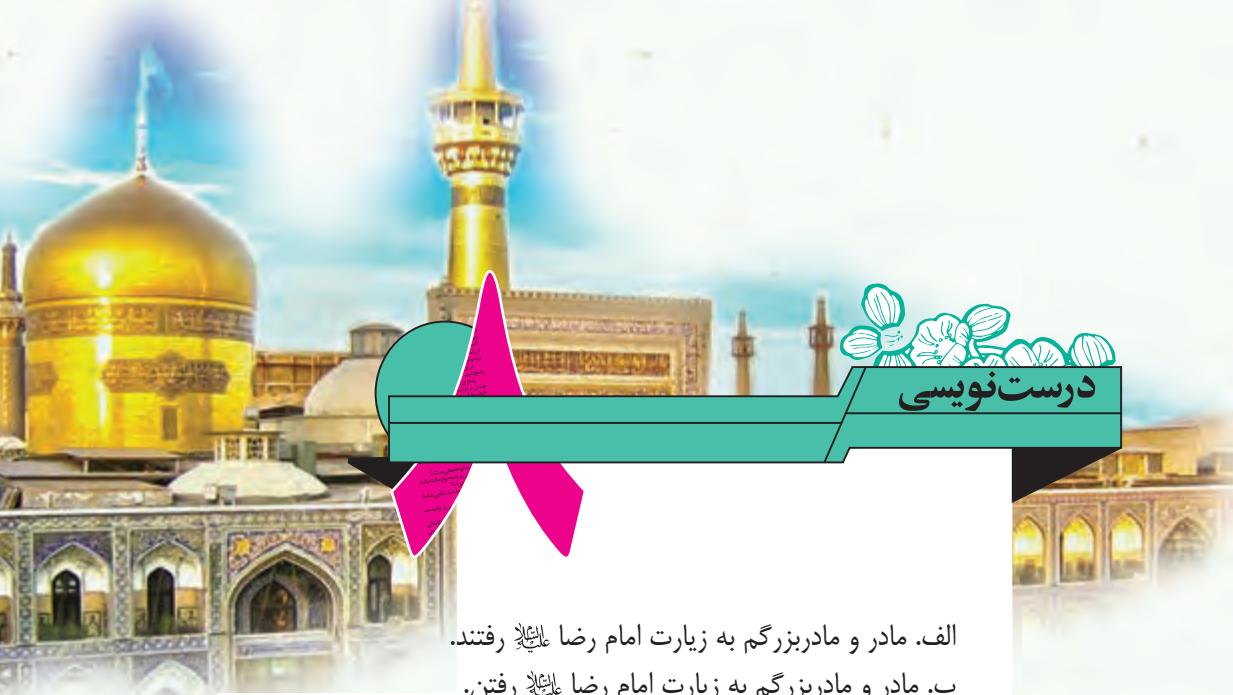


◆ هر گروه یکی از نوشه‌های پرسش قبل گروه دیگر را انتخاب و
بر اساس معیارهای زیر، آن را بررسی و نقد کند.

سنجه‌های ارزیابی

- ♦ داشتن پیش‌نویس؛
- ♦ داشتن پاک‌نویس (رعايت‌نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط املایی،
توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ♦ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشه (آغاز، میانه، پایان)؛
- ♦ طرح‌ریزی نوشه با پرسش‌های مناسب؛
- ♦ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری



درستنویسی

الف. مادر و مادربزرگم به زیارت امام رضا علیه السلام رفته‌اند.

ب. مادر و مادربزرگم به زیارت امام رضا علیه السلام رفته‌اند.

جمله الف درست است. می‌دانیم که «مصدر» با « فعل » تفاوت دارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می‌کند و معمولاً در پایان جمله‌ها قرار می‌گیرد؛ اما مصدر این ویژگی‌ها را ندارد.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

♦ آن‌ها هم برای خودشان عقیده‌هایی داشتن.

حکایت نگاری

◆ حکایت زیر را به نظر ساده امروزی بازنویسی کنید.

حکایت

شخصی شتر کم کرد؛ سوگند خورد که اگر شتر را پیدا کند، آن را به یک درم بفروشد. چون شتر را یافت، از سوگند خود پشمیان شد. برای آن که سوگند خود را شکند، گربه‌ای در گردان شتر آویخت و بانگ زد که: «چه کسی می‌خرد؟» شتری را به یک درم و گربه‌ای را به صد درم؟ اما هر دو را با هم می‌فروشم.»

شخصی آن جا بود؛ گفت: «این شتر ارزان بود؛ اگر این قلاده را در گردان نداشت.»

عبد زکانی

بازنویسی

نیايش

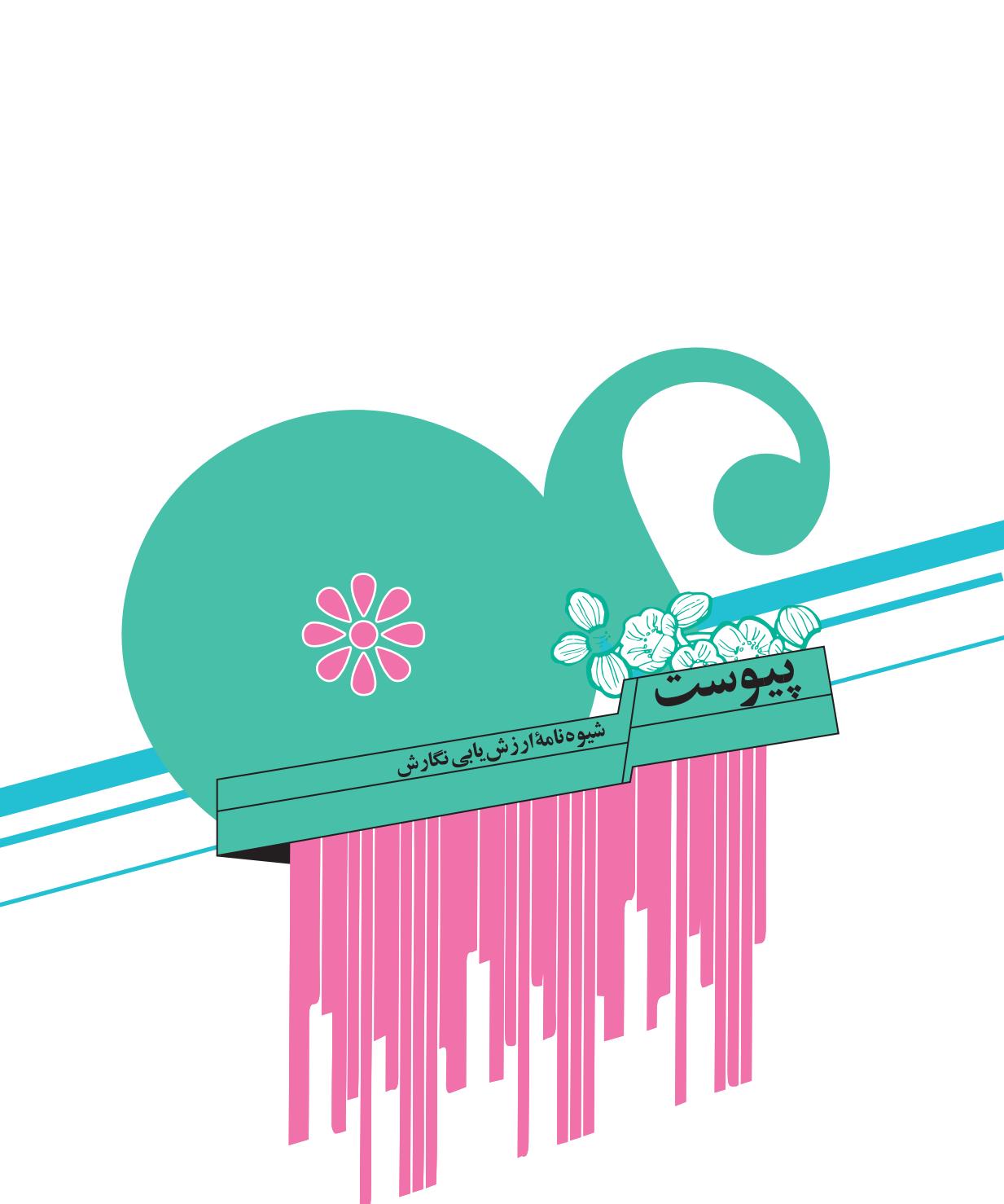
از تو جهان پُر است و جهان از تو بی خبر
نام تو بر زبان و زبان از تو بی خبر
و آن گه همه، به نام و نشان، از تو بی خبر
شرح از تو عاجز است و بیان از تو بی خبر!

◆ دیوان عطار نیشاپوری

ای در میان جانم و جان از تو بی خبر
نقش تو در خیال و خیال از تو بی نصیب
از تو خبر به نام و نشان است خلق را
شرح و بیان تو چه کنم؟ زآن که تا ابد

خداوندا، دل ما را، به انوارِ معرفت، روشن دار.
الهی، آن چه دوستان در حق ما می‌خواهند و گمان می‌برند، ما را عالی تر و بهتر
از آن گردان. پروردگارا، آن دعایی که واجب است و آغاز و پایان سخن، جز به آن
دعا، شایسته نیست، دعای پدر و مادر است که رشددهنده این نهال وجود من هستند،
خدایا، ایشان را در پناه لطف خود آسوده دار؛ همچنان که آنان مرا در زیر پر و بال
تریت خود پرورندند.
ملکا، در این لحظه و در این ساعت، صلوات به روان پاک سیدالمرسلین، چراغ
آسمان و زمین، محمد رسول الله ﷺ، درسان.

◆ مجالس سَبعه، مولانا جلال الدین محمد



پیوست

شیوه نامه ارزش یابی نگارش

ارزش‌یابی این درس در دو بخش صورت می‌گیرد:

- الف. ارزش‌یابی فرایندی (مستمر)
- ب. ارزش‌یابی پایانی

الف. ارزش‌یابی فرایندی (مستمر)، (۲۰ نمره) ◆

ارزش‌یابی فرایندی ارزش‌یابی عملکردی است که هم‌زمان با پیشرفت فرایند «یاددهی - یادگیری» و دقیقاً مبتنی بر آموزه‌های کتاب درسی صورت می‌گیرد؛ یعنی معلم پس از آموزش درس و به محض ورود به فعالیت‌های نگارشی، ارزش‌یابی را آغاز می‌کند.

ارزش‌یابی فرایندی در دو بخش و مبتنی بر موارد زیر است:

۱. مهارت نوشتن (۱۸ نمره)

◆ **بازشناسی (تشخیصی)**، (تمرین شماره ۱ هر درس):
این تمرین‌ها در پی سنجش و تقویت توانایی بازشناسی دانش‌آموزان است.

◆ **آفرینش (تولیدی)**، (تمرین شماره ۲ هر درس): هدف آموزشی این تمرین‌ها، تقویت مهارت نوشتن بر اساس آموزه‌های هر درس است.

- ◆ **داوری (تحلیلی)**، (تمرین شماره ۳ هر درس): هدف این تمرین‌ها پرورش مهارت نقد و تحلیل نوشتۀ‌ها، براساس سنجه‌های کتاب است.
 - ◆ **تصویرنویسی (انشای آزاد)**: تصویرنویسی با هدف بالا بردن دقت در نگاه و درک عناصر بصری و در نهایت، تقویت مهارت نوشتۀ طراحی شده است.
 - ◆ **بازنویسی حکایت**: در بازنویسی حکایت، تأکید بر ساده‌نویسی یا بازنویسی به زبان ساده است.
 - ◆ **گسترش مَثُل**: در این بخش، بازآفرینی، گسترش دادن و افزودن شاخ و برگ به اصل مَثُل مورد تأکید است.
 - ◆ **درست‌نویسی**: درست‌نویسی‌ها با هدف آموزش هنجارهای نوشتۀ و آشنایی با کاربرد درست و اژگان نوشتار معیار، در ساختار کتاب، گنجانده شده‌اند.
- ◆ **یادآوری**: هیچ یک از این عناصر و فعالیت‌ها، به تنها‌بی، موضوع آموزش و ارزش‌یابی نیستند، بلکه همه در خدمت تقویت توانایی نوشتۀ هستند. بنابراین، پیشرفت دانش‌آموزان در مهارت نوشتۀ، هدف اصلی است.

۲. مهارت خواندن (۲ نمره)

در این بخش، به دلیل پیوستگی مهارت‌های زبانی، مهارت خواندنِ متن تولیدی از سوی دانش آموزان ارزش‌یابی خواهد شد؛ یعنی لازم است هر دانش آموز توانایی خوانش صحیح نوشته خود را با رعایت مهارت‌های خوانداری (تکیه، لحن، کنش‌های آوایی و ...) داشته باشد.

◆ ب. ارزش‌یابی پایانی (۲۰ نمره)

بر پایه رویکرد اصلی این برنامه که «آموزش مهارت‌های نوشتاری» است، همه عناصر سازه‌ای و محتوایی کتاب به دنبال پرورش «مهارت نوشتن» هستند؛ بنابراین، تمام آموزه‌های درس، فعالیت‌های نگارشی، تصویرنویسی یا انشای آزاد، بازنویسی حکایت و گسترش مثل، نهایتاً، باید به تولید متنی مناسب بینجامد که کم‌و بیش همه نتایج آزمون فرایندی را در بر گیرد؛ این نتایج در هر نوبت و در قالب آزمون پایانی ارزش‌یابی می‌شود.

در ارزش‌یابی پایانی، چند موضوع تعیین می‌شود تا دانش آموز یک موضوع را برگزیند و درباره آن، متنی بنویسد. نوشته دانش آموز، بر پایه سنجه‌های صفحهٔ بعد، ارزش‌یابی می‌شود.

شیوه‌نامه ارزش‌بایی پایانی «نگارش» پایه هفتم

نمره	سنجه‌های ارزش‌بایی	موضوع
۱	توانایی بازشناسی آموزه‌های درس	۱. بازشناسی
۱/۵	الف. ساختار بیرونی (بند آغازین، بند میانی و بند پایانی)	ساختار
۱/۵	ب. ساختار زبانی (садگی، روانی و کوتاهی جمله‌ها)	
۲	الف. خوش‌آغازی (جزایتی و گیرایی، نشان دادن نمای کلی از محتوای نوشته) ب. پرورش موضوع	
۳	◆ شیوه بیان نوشته (بیان ساده و صمیمی، بیان احساس مناسب با موضوع)	محتوا
۳	◆ سیر منطقی نوشته (پرداختن به جنبه‌های مختلف موضوع، انسجام نوشته)	
۳	◆ فکر و نگاه نو (نگاه به موضوع از زاویه‌ای متفاوت)	
۲	پ. خوش فرجامی (جمع‌بندی مطالب، تأثیرگذاری و تفکربرانگیز بودن)	
۱	الف. نشانه‌های نگارشی (نشانه‌گذاری به تناسب آموخته‌ها و نیازهای متن)	هنچارهای نگارشی
۱	ب. املای واژگان (نداشتن غلط املایی)	
۱	پ. پاکیزه‌نویسی (حاشیه‌گذاری و حُسن سلیقه)	
۲۰	جمع	

نمره نهایی: میانگین ارزش یابی فرایندی (مستمر) و ارزش یابی پایانی است.
 $(20+20=40 \rightarrow 40 \div 2=20)$

در صورت برخورداری نوشته از فضای خلاقانه و نگاه نو، می توان از برخی کاستی های ظاهری و کم اهمیت، مانند خط خوردگی ها، چشم پوشی کرد.

کتاب‌نامه

- ◆ بهارستان، نورالدین عبدالرحمان جامی، تهران: اهل قلم، ۱۳۸۲.
- ◆ دیوان عطار نیشابوری، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ◆ روضه خلد، مجد خوافی، به کوشش محمود فرخ، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- ◆ بصیر (زندگی نامه حاج حسین بصیر)، علی اکبر خاوری نژاد، تهران: بنیاد حفظ آثار (کنگره بزرگداشت سرداران)، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ◆ سلام، کسی اینجا نیست؟، یاستین گوردر، ترجمه مهرداد بازیاری، تهران: هرمس، ۱۳۷۷.
- ◆ فارسی و دستور، حسن انوری، حسن احمدی گیوی، سال اول راهنمایی، ۱۳۷۲.
- ◆ کلیات عبید زاکانی، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۷۶.
- ◆ گلستان سعدی، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- ◆ ماتیلدا، رولد دال، ترجمه پروین علی پور، تهران: افق، چاپ ششم، ۱۳۹۱.
- ◆ مجالس سبعه، مولانا، تصحیح توفیق هـ. سبحانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۵.
- ◆ مجله انشا و نویسندگی، ش ۴۲، سال ۱۳۹۳.
- ◆ مهمان‌هایی با کفش‌های لنگه به لنگه، محمد دهربیزی و اسماعیل الله‌دادی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.
- ◆ می خواهم بنویسم، از جمله تا پاراگراف، ویدا رحیمی نژاد و معصومه نجفی‌پازکی، تهران: رهنما، ۱۳۸۹.

- ◆ College writing (From Paragraph to Essay), Dorothy E. Zemach & Lisa A. Rumisek, Macmillan, 2007.
- ◆ Paragraph Development, Martin L. Arnaudet & Mary Ellen Barrett, 2nd Edition, Prentice-Hall, 1990.





پایان